

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

سال تحصیلی ۱۴۰۴-۰۵

رشته انسانی

مرحله سوم

پایه دوازدهم

این مرورنامه، ویژه مباحث جدید آزمون است. مرورنامه مباحثی که در آزمون‌های قبل به آن‌ها پرداخته شده، در پل کاربری شما قابل دریافت است و در این فایل از تکرار آن پرهیز شده است.

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
تعلیم و تربیت اسلامی	دین و زندگی دهم: درس‌های ۱۰ و ۱۱ مهارت‌های معلمی: فصل ۲ (تا ابتدای سابقه نیک داشته باشد)	۲	۶	ارسلان محمدی	سهراب کلانتری

ویژه کنکوری‌های ۱۴۰۵

آزمون دانشگاه فرهنگیان

مروارثه آزمون آزمایشی خیلی سبز



♦♦ دین و زندگی دهم: درس ۱۱ ♦♦

— دوستی با خدا —

نقش محبت:

- محبت و دوستی سرچشمه بسیاری از تصمیم‌ها و کارهای انسان است.
- فعالیت‌هایی که آدمی در طول زندگی انجام می‌دهد، ریشه در دلبستگی‌ها و محبت‌های او دارد و همین محبت‌هاست که به زندگی آدمی جهت می‌دهد.
- به هر میزان که محبت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق‌تر و گسترده‌تر است؛ مثلاً کسی که دوستدار ثروت است، سمت و سوی همه کارهای خود را رسیدن به ثروت قرار می‌دهد. کسی که شیفته مد است، دل‌مشغولی شب و روز او دست‌یافتن به آخرین مد‌ها است و کسی که محبوب و معشوق خود را دانشمند یا هنرمندی قرار می‌دهد، ظاهر و حتی سبک زندگی خود را شبیه وی می‌سازد.

- حضرت علی (ع): «ارزش هر انسانی به اندازه چیزی است که دوست می‌دارد.»

تا در طلب گوهر کانی کانی تا در هوس لقمه نانی نانی
ایمن نکته رمز اگر بدانی دانی هر چیز که در جستن آنی آنی

نکته

مبنای ارزش انسان‌ها به اندازه چیزی است که آن را دوست می‌دارند.

محبت به خدا

- اگر انسان دل به سرچشمه کمالات و زیبایی‌ها بسپارد و قلب خود را جایگاه او کند، زندگی‌اش رنگ‌وبوی دیگری می‌یابد و هر میزان که ایمان انسان به خدا بیشتر شود، محبت وی نیز به خدا بیشتر می‌شود.
- عشق و محبت الهی افسردگی، ترس و یأس را از بین می‌برد و به انسان نشاط، شجاعت و قدرت می‌بخشد.
- محبت الهی، تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم‌طاقت را صبور می‌کند و سرانجام آدمی را از خودخواهی به ایثار و از خودگذشتگی می‌رساند. عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می‌بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می‌کند. این همه تحول به این دلیل است که قلب انسان جایگاه خداست و جز با خدا آرام و قرار نمی‌یابد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «قلب انسان حرم خداست؛ در حرم خدا غیرخدا را جا ندهید.» از این‌رو، قرآن کریم یکی از ویژگی‌های مؤمنان را، دوستی و محبت شدید آنان نسبت به خدا می‌داند: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَتَّخِذُ مِن دُونِ اللَّهِ أَندَادًا﴾ «و بعضی از مردم همتایانی را به جای خدا می‌گیرند.» ﴿يَجْبُوهُمْ كُفْبُ اللَّهِ﴾ «آنان را دوست می‌دارند، مانند دوستی خدا.» ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾ اما کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبت بیشتری دارند.»

آثار محبت به خدا و راه‌های افزایش آن

پیروی از دستورات خداوند، دوستی با دوستان او و بیزاری از دشمنانش بخشی از آثار محبت به خداست. البته بین محبت به خدا و این آثار رابطه‌ای دوسویه است؛ یعنی همان‌طور که محبت خدا موجب بروز این آثار می‌شود، تداوم و استمرار در پیروی از دستورات خداوند و عشق‌ورزیدن به دوستان و برائت از دشمنانش، موجب تقویت محبت انسان به خدا نیز می‌شود.

۱) پیروی از خداوند:

نمی‌شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد، اما از فرمانش سرپیچی کند. این سرپیچی نشانه عدم صداقت در دوستی است. برخی می‌گویند: اگر قلب انسان با خدا باشد، کافی است و عمل به دستورات او ضرورتی ندارد، آن‌چه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است، نه ظاهر او. اما این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست. خداوند عمل به دستوراتش را که توسط پیامبر (ص) ارسال شده است، شرط اصلی دوستی با خود اعلام می‌کند.

﴿قُلْ إِن كُنتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ﴾ بگو اگر خدا را دوست دارید،
﴿فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ﴾ از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد
﴿وَيَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ و گناهانتان را ببخشد
﴿وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

امام صادق (ع) فرمودند:

«ما أَحَبَّ اللَّهُ مَن عَصَاهُ» کسی که از فرمان خدا سرپیچی می‌کند، او را دوست ندارد.»

خداوند در خواسته‌هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد. او خیرخواهانه به ما هشدار می‌دهد و ما را به کارهایی که به نفع ماست، راهنمایی می‌کند. حتی اگر احساس کنیم انجام برخی دستورات خداوند برای ما دشوار است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای رستگاری ما ضروری است.

۲) دوستی با دوستان خدا:

اگر می‌خواهیم محبت خداوند در دلمان خانه کند، باید محبت کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند و خداوند محبت و دوستی آنان را به ما توصیه کرده، در دل جای دهیم و هر میزان که این علاقه بیشتر و قوی‌تر باشد، محبت ما نیز به خدا فزون‌تر می‌شود. انبیا و اولیای الهی و مجاهدان راه حق و آنان که در مسیر بندگی خدا حرکت کردند، دوستان خداوند هستند و برترین این دوستان، رسول خدا و اهل بیت ایشان می‌باشند که با تمام وجود به خدا عشق ورزیدند و زندگی خود را در اطاعت کامل خداوند سپری کردند. دوستی با آنان، همان دوستی با خداوند و محبت به آنان در مسیر محبت به خداوند است. البته این دوستی و محبت نیز بایستی همچون محبت به خدا، همراه با عمل و پیروی از آنان باشد.

مرونامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



۳) بیزاری از دشمنان خدا و مبارزه با آنان:

- عاشق روشنائی، از تاریکی می‌گریزد و آن کس که به دوستی با خدا افتخار می‌کند، با هر چه ضد خداست، مقابله می‌نماید. او دوستدار حق و دشمن باطل است.
- عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با ستم و ستمگران بوده‌اند. همه پیامبران، از حضرت نوح (ع) و حضرت ابراهیم (ع) تا پیامبر (ص) اسلام زندگی خود را در مبارزه با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند. نمی‌شود کسی دوستدار خداوند باشد؛ اما زشتی و ستم را در جامعه ببیند و سکوت اختیار کند.
- جهاد در راه خدا در برنامه تمام پیامبران الهی بوده و بیشتر آنان در حال مبارزه با ستمگران به شهادت رسیده‌اند. امروزه نیز مشاهده می‌کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع دنیایی خود، حقوق ملت‌ها را زیر پا می‌گذارند و آنان را از حقوقشان محروم می‌کنند. رنج و محرومیت مردم فلسطین، یمن، سوریه، عراق، بحرین و ... نمونه آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.
- در نتیجه، دین‌داری، با دوستی خدا آغاز می‌شود و برائت و بیزاری از دشمنان خدا را به دنبال می‌آورد. اگر کسی بخواهد قلبش را خانه خدا کند، باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون کند.
- جمله «لا اله الا الله» که پایه و اساس بنای اسلام است مرکب از یک نه و یک آری است. نه به هر چیز غیرخدایی و آری به خدایی یگانه؛ پس دینداری بر دو پایه استوار است: تویی (دوستی با خدا و دوستان او) و تیزی (بیزاری از باطل و پیروان او). هر چه دوستی با خدا عمیق‌تر باشد، نفرت از باطل هم عمیق‌تر است.
- امام خمینی (ره) بر مبنای همین تحلیل، به مسلمانان جهان این‌گونه سفارش می‌کند: «باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند.»

♦♦ مهارت‌های معلمی استاد قرائتی ♦♦

– فصل دوم : صفات معلمی (تا ابتدای صفت: سابقه نیک داشته باشد) –

هر معلم باید دارای ویژگی‌ها و خصوصیتی باشد که او را در عرصه تعلیم و تربیت موفق کند. او می‌تواند با تلاش و استمداد از حضرت حق، ویژگی‌های مثبت خود را ارتقا دهد و اثرگذاری خویش را تقویت نماید.

در فصل دوم برخی از ویژگی‌ها و صفات معلم را بررسی می‌کنیم:

۱) سوز و حرص داشته باشد:

- اگر کسی برای اصلاح و تحول جامعه، از درون سوز نداشته باشد و مشتعل نباشد، محال است بتواند جامعه‌ای را مشتعل سازد. یکی از صفات برجسته انبیای الهی سوز و گداز آن‌ها برای هدایت و سعادت انسان‌ها بود. داشتن سوز یک کمال است.
- قرآن کریم درباره پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ «همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده که آن‌چه شما را برنجانند بر او سخت است، بر هدایت شما حریص و دلسوز و با مؤمنان رئوف و مهربان است.»
- پیامبر (ص) برای هدایت و تبلیغ دین، شور و عشق فراوانی داشت و خداوند در همین رابطه می‌فرماید: ﴿مَا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَلَشُّعًا﴾ «ما قرآن را نفرستادیم که تو خود را به مشقت بیندازی.»
- خداوند متعال باز می‌فرماید: ﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾ «شاید خویشتن را هلاک کنی که چرا آن‌ها ایمان نمی‌آورند.»
- از صفاتی که می‌تواند در تعلیم و تربیت مؤثر باشد، داشتن سوز و حرص به اندازه است. معلم باید هر دانش‌آموز یا دانشجو را فرزند خود بداند، در تعلیم و تربیت او حریص باشد و برای سستی، بی‌توجهی و بی‌حالی او غصه بخورد.

۲) سعه صدر داشته باشد:

- استاد، معلم و مربی باید دارای روح بزرگی باشد که تحمل بی‌مهری‌ها، جسارت‌ها و سرسختی‌های دیگران را داشته باشد.
- همین‌که خداوند متعال به موسی (ع) فرمود که تو از طرف من مأمور ارشاد و هدایت مردم هستی، اولین دعای حضرت موسی (ع) این بود: ﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَبَسِّرْ لِي أُمْرِي وَاخْلُقْ عَقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي﴾ «موسی گفت: «پروردگارا (اکنون که مرا به این کار بزرگ مأمور فرمودی) سینه‌ام را برایم گشاده گردان (و بر صبر و حوصله‌ام بیفز) و کار مرا برایم آسان فرما و گره از زبانم باز نما تا آن‌ها سخنان مرا (خوب) بفهمند.»
- از نعمت‌هایی که خداوند به پیامبر (ص) اعطا فرمود، سعه صدر بود. ﴿أَلَمْ تَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ﴾ «ای پیامبر آیا به تو شرح صدر عطا نکردیم؟»
- برخورد نرم با افراد نااهل و داشتن سعه صدر در مقابل آن‌ها برای همه لازم است.
- قرآن کریم در خصوص مؤمنین می‌فرماید که برخورد آنان با افراد جاهل، مسالمت‌آمیز است. ﴿وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا﴾ «و هرگاه جاهلان آنان را طرف خطاب قرار دهند (و سخنان نابخردانه گویند) با ملائمت و سلامت نفس پاسخ می‌گویند.»
- مؤمنان در برخورد با لغو با کرامت عبور می‌کنند. ﴿وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ «و چون بر لغوی عبور کنند کریمانه بگذرند.»
- سعه صدر برای هر مسؤولی لازم است.
- امام علی (ع) می‌فرماید: «اللَّهُ الرِّيَاسَةُ سَعَةُ الصَّدْرِ: ابزار ریاست، سعه صدر است.»

۳) بی‌تکلف باشد:

- تکلف این است که انسان کاری را با مشقت و تصنع انجام دهد؛ در زندگی، کار، پوشش، گفتار و رفتار به خود سخت بگیرد؛ مقید به پوشش خاص، مدرسه خاص، شاگردان ویژه و ... باشد و در یک کلام، برای خود شائیتی ویژه قائل شود.

مروارثه آزمون آزمایشی خیلی سبز



- نمونه‌ای از بی‌تکلف بودن پیامبر (ص): همه نوع غذا را تناول می‌کرد و هر چه را خدا برایش حلال کرده بود، می‌خورد. هیچ‌گاه خود را از انسان‌های بی‌چیز و مستضعف جدا نمی‌کرد و از معاشرت با آنان اکراه نداشت. شوخی می‌کرد و در کنار همه غذا می‌خورد.
- نشانه بی‌تکلفی، سلام کردن به همه افراد، رفت‌وآمد با طبقات محروم، کمک کردن به همسر، توقع‌نداشتن از مردم، اقرار کردن به جهل (در جایی که ندانیم) اقرار به برتری دیگران و امثال آن است.
- معلم و مبلغ نباید با خواسته‌های غیرمعقول و خارج از عرف، مردم را دچار زحمت کند.

۱۴) مخلص باشد:

- ما باید هم در تحصیل و هم در تعلیم و تبلیغ، نیت خالصانه داشته باشیم.
- امام صادق (ع): «کسی که طلب علم کند تا با آن به علما مباحث کند یا با سفیهان مجادله نماید یا آن‌که مردم را متوجه خودش کند، پس منزلگاهش را آتش قرار داده است».
- معنای اخلاص آن است که از اول نیت اجر و پاداش نکنیم؛ همان‌طور که قرآن در وصف اهل بیت (ع) می‌فرماید: «أَنْ هُنَّ كَمَا هُنَّ مَسْكِينٌ وَ يَتِيمٌ وَ اسِيرٌ بِدَارِ خَانِهِمْ أَتَمَّ وَ أَنْ هُنَّ أَطْفَالٌ خُودِ رَا بِهِنَّ هُنَّ دَانِدٌ، گفتمند: ﴿لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا﴾ ما از شما هیچ پاداش و تشکری نمی‌خواهیم».
- باید در گفت‌وگوها سخنی از مزد نگوئیم چرا که شعار همه معلمان الهی، یعنی انبیا، این بود که: ﴿وَ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾: «من برای این رسالت هیچ مزدی از شما درخواست نمی‌کنم، پاداش من جز بر پروردگار جهانیان نیست».

در خصوص اخلاص، به سه نکته باید توجه کرد:

- ۱) اگر انسان به دست این و آن چشم بدوزد، گرفتار می‌شود. ستایشگر گروهی می‌شود که به او کمک می‌کنند و از گروهی انتقاد می‌کند که به او کمک نمی‌کنند.
- ۲) «مَنْ وَجَّهِي بِالْإِسَارِ فَأَقْتَنِي بِحَدِّ مَنْ أَعْطَانِي وَ أَنْتَلِي بِذَمِّ مَنْ مَنَعَنِي﴾
- ۳) اخلاص، دانشگاهی است که چهل‌روزه فارغ‌التحصیل بیرون می‌دهد.
- ۴) اگر ایمان و توحید قوی باشد و بدانیم کمی و زیادی ما فقط به دست خداست، به آرامش و اخلاص می‌رسیم. اگر بدانیم روزی به داشتن ثروت نیست، بلکه روزی حقیقی در کامیابی است، به اخلاص می‌رسیم. چه بسیارند افرادی که برای دنیا دائماً تلاش می‌کنند؛ جمعی به آن نمی‌رسند و گروهی هم که به دنیا می‌رسند از آن کامیاب نمی‌شوند.

۵) خود را فارغ‌التحصیل نداند:

- در اسلام فارغ‌التحصیل نداریم.
- خداوند تعالی به پیامبرش می‌فرماید: ﴿وَ قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾: «بگو پروردگار! علم مرا زیاد کن».
- کسی موفق است که بتواند از هر ماجرا و از هر شخصی با هر سن و شرایطی که دارد کسب علم کند.
- قرآن کریم گروهی را که به علم خود قانع بودند، توبیخ می‌کند و می‌فرماید: ﴿فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ يَا ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ﴾
- حدیث معروف: «أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ» داناترین مردم کسی است که علم مردم را به علم خودش اضافه کند».

۶) توفیقاتش را از خدا بداند:

- باید مراقب بود که سرگرم‌شدن به کتاب، درس، مقاله و پژوهش، ما را از خدا غافل نکند.
- قرآن کریم از قول شعیب (ع) می‌فرماید: ﴿وَ مَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ﴾: «و جز به لطف خداوند، توفیقی برای من نیست».
- تصور نکنیم که رشد علمی و توفیقات ما تنها به خاطر مطالعه، تحصیل و تدریس است، زیرا این تصور باعث ایجاد غرور می‌شود.
- بعضی علوم را می‌توان با تعلیم، تحصیل، تدریس، مطالعه و گفت‌وگو کسب کرد؛ اما تمام علوم این‌ها نیست. گاهی بعضی علوم و ادراکات ویژه، به افراد ویژه داده می‌شود.
- قرآن کریم درباره حضرت یوسف (ع) می‌فرماید: ﴿وَ كَذَٰلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَ يُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ﴾: «خدا تو را انتخاب کرد و علم ویژه به تو داد».
- این عنایت تنها مخصوص علم نیست، بلکه گاهی بصیرت، حکمت و نور باطنی ویژه نیز به برخی افراد خاص داده می‌شود که بر اثر آن، با نگاه ساده می‌نگرند، ولی مسائل عمیقی را درک می‌کنند.

۷) باشهامت باشد:

- معلم و استاد باید شهامت داشته باشند؛ اگر چیزی را نمی‌دانند، بگویند نمی‌دانم و خجالت نکشند، به برتری کسانی که باسوادتر هستند، اقرار کنند و اگر چیزی را از یاد بردند، بگویند فراموش کردم.
- اقرار به ضعف و اشتباه، عذرخواهی و نقل شکست‌هایی که برای دیگران عبرت است، نیاز به شهامت دارد.
- گاهی استاد باید برای آرام کردن هیجان‌ها از خود مثال بزند تا راه برای دیگران باز شود. مثلاً در کودکی میوه‌ای از درخت کندم و خوردم که بعداً در بزرگسالی فهمیدم حق الناس بوده، رفتم پای آن درخت و صاحبش را راضی کردم. با این روش به شاگردانش می‌فهماند که حق الناس، بلوغ و غیربلوغ، خواب و بیداری یا مست و هوشیاری نمی‌شناسد. حتی اگر کسی در خواب با پای خود ظرفی را بشکند، در بیداری باید هزینه آن را بپردازد.
- باسوادان بی‌شهامت امروز، خودفروختگان فردا خواهند بود؛ لذا باید نسل نو را آن‌گونه تربیت کنیم که شجاع باشند، به ارزش‌ها ایمان داشته باشند، در راه حفظ ارزش‌ها ایثار کنند و از جان و مال خود مایه بگذارند.

۸) اعتماد به نفس داشته باشد:

- ما باید اهل منطق باشیم، به خدا اعتماد کنیم و در هیچ حادثه‌ای خود را نیازیم. برخی از افراد، بسیاری از سنت‌های صحیح و منطقی خود را تحقیر می‌کنند و بسیاری از آداب و رسوم بی‌منطق دیگران را درست می‌پذیرند. این عده، وقتی چهار کلمه انگلیسی یاد می‌گیرند، مرتب از آن استفاده می‌کنند یا این‌که خیال می‌کنند جنس تولید خارج حتماً از تولیدات داخلی بهتر است. این نشان‌دهنده خودباختگی است.



- باید منشأ اعتماد به نفس، ایمان به خدا و راه او و داشتن هدف الهی و بصیرت کامل باشد.
- ﴿قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي﴾
- ای پیامبر بگو این راه من است. من و هر کس پیروی ام کرد، با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم.
- در زمان ما بهترین نمونه و مصداق ایمان به خدا و اعتماد به راه خود، وجود مبارک امام خمینی (ره) بود.

۹) مردمی باشد:

- معلم و مربی، باید در جامعه حضور داشته باشند.
- رهبر نباید از جامعه جدا باشد و زندگی عادی و حضور در میان مردم، برای او کمال است.
- کسی که اهل رفت و آمد با مردم است، بهتر می تواند آن ها را ارشاد کند.
- قرآن درباره انبیا (ع) می فرماید: ﴿وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ﴾ «و در بازارها راه می رفتند».
- یعنی آنان پیوسته در میان مردم رفت و آمد داشتند تا مسائل آنان را از نزدیک درک کنند.
- در بعضی از آیات واژه «رسول» با «فهم» و «منهم» آمده است، یعنی رسول از مردم و در بین آن هاست و با آن ها زندگی می کند.
- در بعضی آیات نیز با عبارت «والذین معه» آمده است که همراهی رسول و مردم را می رساند؛ بنابراین از مردم، در مردم و با مردم بودن ارزشمند است.
- معلم و استادی موفق است که شاگردان او به راحتی بتوانند به او دسترسی پیدا کنند.
- در احادیث آمده است افرادی که دست به کارهای غیرطبیعی می زنند، گرفتار نوعی بیماری هستند و چون درون خود احساس کمبود و ذلت می کنند، با دست زدن به یک سری کارها می خواهند آن کمبود را جبران کنند. در فقه نیز آمده است که لباس شهرت حرام است؛ زیرا در آن، نوعی امتیازطلبی به چشم می خورد.

۱۰) صراحت لهجه داشته باشد:

- از ویژگی های خوب یک معلم، داشتن کلام رسا و صراحت لهجه است. اسلام جز در موارد خاصی - که مربوط به آبروی افراد یا مسائل خانوادگی یا جنسی است - شفاف بودن سخن و کلام را رعایت کرده است و استاد و معلم نیز باید مراعات کنند.
- صراحت، شفافیت، صلابت، شهامت و پرهیز از ملاحظات قومی و نسبی در بیان حقایق و نفی باطل و مبارزه با آن، نشانه ایمان راسخ است. انبیای الهی در تبلیغ دین صراحت لهجه داشتند.
- نمونه دیگر صراحت در بیان قرآن کریم، در رد ادعاهای دروغین و خیال پردازی های فراوان بنی اسرائیل است؛ چرا که به صورت علنی، بافته های خیالی و موهومات فکری آن ها را رد کرده است.
- اگرچه در برخورد با افراد معاند یا از بین بردن اشتباه و خطاهای جدی و عمومی یا رفع سستی جامعه در قبال احکام و حدود الهی، بیان صریح حقایق و مبارزه با اوهام و اباطیل لازم است، اما معلمان و گویندگان محترم باید ظرفیت مخاطبان خود را نیز در نظر داشته باشند.

۱۱) منصف باشد:

- از اموری که عقل و دین و وجدان به آن سفارش کرده اند و رابطه استاد و شاگرد را نیز عمیق می کند، رعایت انصاف است.
- انصاف در تدریس، انتقاد، تشویق، توبیخ و برخورد با شاگرد از رموز موفقیت است.
- رعایت انصاف موجب می شود که اثرپذیری در طرف مقابل بیشتر شود. اگر انسان بداند که استاد و مربی اش هیچ گونه تعصب نابه جا نسبت به خود یا طرف مقابل ندارد و فقط به دنبال حقیقت است، به جای آن که به فرد بنگرد، به استدلال او می نگرد تا احسن را انتخاب کند. این باور در انسان ایجاد آرامش می کند.
- رعایت انصاف در نقد افراد، بسیار مهم است؛ یعنی اگر به فردی انتقاد داریم، نقاط قوت او را هم بگوییم.
- انصاف آن است که انسان حرف حق دیگران را بپذیرد.
- از جمله موارد رعایت انصاف آن است که انسان مطالبی را که از دیگران فراگرفته است، به خودش نسبت ندهد، خود را در بالاترین درجات علمی نداند و از هرگونه افراط و تفریط بپرهیزد.

۱۲) صمیمی و با محبت باشد:

- داشتن ارتباط صمیمی با شاگرد، از صفات خوب معلم و از رموز موفقیت اوست. بین استاد و شاگرد نباید هیچ دغدغه، دلهره و وحشتی وجود داشته باشد. برخورد خشک و رسمی و احیاناً با خشونت، شاگرد و مترقی را گریزان می کند.
- در همین رابطه خداوند به پیامبر (ص) می فرماید: ﴿لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ «اگر خشن و سنگدل بودی مردم از دور تو پراکنده می شدند».
- یکی از راه های ایجاد صمیمیت، محبت کردن است. محبت، قوی ترین یا یکی از قوی ترین ابزارهای تربیتی است.
- خداوند متعال در خصوص پیامبرش می فرماید: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ خَرِيفٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ﴾: «همانا پیامبری از خودتان به سوی شما آمده است که آن چه شما را برنجانند بر او سخت است، بر هدایت شما حریص و دلسوز و با مؤمنان رؤف و مهربان است».
- خداوند متعال دو نام از نام های خویش یعنی رؤف و رحیم را بر هیچ یک از پیامبران جز پیامبر اسلام (ص) اطلاق نکرده است. هم چنین آن حضرت را با جمله: ﴿عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ﴾ غمخوار امت معرفی کرده است، به گونه ای که هر چه مردم را برنجانند، پیامبر را می رنجاند و این بیانگر اوج محبت آن حضرت است که سبب جذب مردم می شد.
- خداوند در قرآن کریم، از راه محبت دعوت کرده است؛ مثلاً چون خدا می خواهد که مردم را از ظلمت تفرقه، شرک، کفر، جهل، تعصب و خرافات به سوی نور دعوت کند و آن ها را به دنیای توحید و اخلاص ببرد، بر مردم صلوات می فرستد و آنان را از این راه دعوت می کند.

۱۳) اهل هدایت و عمل باشد:

- معلمی کردن به رشد است. یک معلم باید اول خودش رشد کند تا بتواند دیگران را رشد دهد؛ باید اول خودش هدایت شود تا بتواند دیگران را هدایت بکند.
- پیامبر (ص): «هر کس علمش افزایش یابد ولی هدایت بیشتری کسب نکند، جز دوری از خدا چیزی به او اضافه نشده است».

مرونامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



- امیرالمؤمنین (ع)، ثمره و نتیجه علم را عمل، حلم، تواضع، حیات، حسن خلق، آگاهی، بیداری، استقامت، عبادت، طلب نجات و اخلاص در عمل دانسته است.
- عمل نکردن به گفتار، گاهی به خاطر ناتوانی است و گاهی از روی بی‌اعتنایی؛ که در صورت اخیر، توبیخ دارد. عالم بی‌عمل، به درخت بی‌ثمر، ابر بی‌باران، نهر بی‌آب، زنبور بدون عسل، سوزن بدون نخ و الاغی که کتاب حمل می‌کند، تشبیه شده است.

۱۴) آراسته باشد:

- انسان فطرتاً نطافت و پاکی را دوست دارد و اسلام نیز برای پاکی سفارش‌های بسیاری کرده است. البته اسلام پاکی و نطافت را مخصوص جسم نمی‌داند، بلکه به پاکی فطرت، پاکی فکر، پاکی لقمه، پاکی نسل، پاکی دل و پاکی جامعه نیز توجه دارد. هم پاکی جسم و هم پاکی روح و جان مهم است.
- شرط قبول عبادات در اسلام، طهارت است. پوشیدن پاکیزه‌ترین لباس‌ها در نماز و برای عبادت سفارش شده است؛ هم‌چنین مسواک‌زدن، شانه‌کشیدن و استفاده از عطر نیز پاداش عبادت را بیشتر می‌کند.
- کسانی که با تدریس و تبلیغ، بنای اثرگذاری دارند، باید به ظاهر خود برسند. هم‌چنین کلاس تمیز، هوای جاری، نور مناسب و استفاده از رنگ‌های روشن بر تأثیر تدریس می‌افزاید. البته معنای پاکی و نطافت، استفاده از لباس‌های گران‌قیمت یا دخت‌های استثنایی نیست؛ چون این رقم جاذبه‌ها، در تمرکز شاگرد برای فهمیدن مطلب خلل وارد می‌کند؛ بنابراین پوشش استاد باید نظیف و تمیز باشد، اما خالی از هرگونه جلوه‌های زینتی که ذهن شاگرد را به خود مشغول کند.

۱۵) اخلاق خوب داشته باشد:

- معلم بد اخلاق، افراد را از دور خود پراکنده می‌کند. در قرآن آیه ﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأُنْقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ﴾ «و اگر خشن و سنگدل بودی، مردم از دور تو پراکنده می‌شدند.»
- قرآن کریم، پیامبر را پیامبر رحمت نامیده و او را در مواجهه با مؤمنین، رئوف و مهربان توصیف کرده است: ﴿يَا مُؤْمِنِينَ رَوْفٌ رَحِيمٌ﴾
- پیامبر اکرم (ص) اسوه اخلاق بودند تا جایی که خداوند متعال در میان صفات و ویژگی‌های ایشان تأکید بر خلق ایشان کرده و آن را عظیم خوانده است: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾
- عایشه درباره اخلاق پیامبر (ص) گفته است که: «کان خلقه القرآن: اخلاق پیامبر تجسم قرآن بود.» این اخلاق نبوی بود که توانست در کنار کتاب الهی، انسان‌های بزرگی تربیت نماید.
- گفتار معلم، سازندگی و تربیت نمی‌آورد، بلکه رفتار اوست که بر جان مخاطب اثر می‌گذارد، لذا حرکات و رفتار معلم باید طوری باشد که شاگرد را تربیت کند و بسازد.

۱۶) متواضع باشد:

- خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا﴾ «ای انسان هرگز در زمین با کبر و غرور راه مرو که هر قدر پا را محکم به زمین بکوبی، نمی‌توانی آن را بشکافی و هر چه گردن برافرازی، به بلندی کوه‌ها نخواهی رسید.»
- قرآن کریم به پیامبر (ص) می‌فرماید: ﴿وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ «برای مؤمنانی که از تو پیروی کرده‌اند، بال خود را بگستر و متواضع باش.»

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

سال تحصیلی ۱۴۰۴-۰۵

رشته انسانی

مرحله هشتم

پایه دوازدهم

این مرورنامه، ویژه مباحث جدید آزمون است. مرورنامه مباحثی که در آزمون‌های قبل به آن‌ها پرداخته شده، در پنل کاربری شما قابل دریافت است و در این فایل از تکرار آن پرهیز شده است.

نام درس	مباحث	مؤلف	ویراستار	از صفحه	تا صفحه
ریاضی و آمار	ریاضی و آمار یازدهم: فصل ۳ صفحه ۵۵ تا ۷۰ ریاضی و آمار دوازدهم: فصل ۱ (درس ۲ و ۳) صفحه ۱۲ تا ۴۴	علی شهرابی	بردیا نصیری سینا نیک‌نژاد	۲	۶
زبان و ادبیات فارسی	علوم و فنون ادبی دهم: درس ۷ تا ۹ و کارگاه تحلیل فصل سوم صفحه ۵۹ تا ۷۸ علوم و فنون ادبی دوازدهم: درس ۲ تا ۴ و کارگاه تحلیل فصل اول صفحه ۲۲ تا ۴۷	علیرضا نعمتی	زهره صادقی مالواجردی معراج صالحی‌نژاد	۶	۹
علوم اجتماعی	جامعه‌شناسی دهم: درس ۹ تا ۱۲ صفحه ۷۹ تا ۱۰۷ جامعه‌شناسی دوازدهم: درس ۲ تا ۴ صفحه ۱۰ تا ۴۱	محمدابراهیم مازنی	سعید ستوده‌مهر محمدحسین غلامی معراج صالحی‌نژاد	۱۰	۱۶
روان‌شناسی	درس ۲ و ۳ صفحه ۳۴ تا ۸۷	سیده ضحی سکاکی	سعید ستوده‌مهر محمدحسین غلامی معراج صالحی‌نژاد	۱۶	۱۷
عربی	عربی دهم: درس ۵ و ۶ صفحه ۶۷ تا ۹۲ عربی دوازدهم: درس ۱ (از ابتدای تمارین) و درس ۲ صفحه ۱۱ تا ۳۶	آریا ذوقی	مریم آقاباری محمدحسین غلامی محمدعلی یوسفی	۱۷	۲۰
تاریخ	تاریخ دهم: درس ۹ تا ۱۲ صفحه ۸۰ تا ۱۱۷ تاریخ دوازدهم: درس ۲ تا ۴ صفحه ۱۶ تا ۶۰	علیرضا کاهیدوند	وجیهه سادات مالواجردی کیانا یوسف‌زاده معراج صالحی‌نژاد	۲۱	۲۶
جغرافیا	جغرافیا دهم: درس ۶ تا ۸ صفحه ۴۷ تا ۸۲ جغرافیا دوازدهم: درس ۲ و فنون و مهارت‌های جغرافیایی (۱) صفحه ۲۱ تا ۴۰	علیرضا کاهیدوند	وجیهه سادات مالواجردی محمدعلی یوسفی	۲۶	۲۹
فلسفه و منطق	منطق: درس ۴ و ۵ صفحه ۲۷ تا ۵۲ فلسفه یازدهم: درس ۴ و ۵ صفحه ۲۸ تا ۴۲ فلسفه دوازدهم: درس ۲ تا ۴ صفحه ۸ تا ۲۸	مجید پیرحسینلو	مهدی بادامه محمدحسین غلامی	۲۹	۳۴
اقتصاد	درس ۳ تا ۵ صفحه ۲۲ تا ۵۴	سارا شریفی	فاطمه صفری محمدحسین غلامی محمدعلی یوسفی	۳۵	۳۶

ویژه کنکوری‌های ۱۴۰۵



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

پایه یازدهم

شاخص‌های آماری

۱- خط فقر

۱	تعریف	به حداقل درآمدی که برای زندگی یک فرد در یک ماه مورد نیاز است، خط فقر می‌گویند.
۲	روش‌های محاسبه	(۱) به کمک میانگین: $\text{میانگین} = \frac{\text{خط فقر}}{p}$ (۲) به کمک میانه: $\frac{\text{میانه}}{p} = \text{خط فقر}$ ← وقتی داده دوزیاده داریم.
۳	اثر تغییرات حقوق‌ها روی خط فقر	(۱) همه حقوق‌ها، a واحد افزایش یابد ← خط فقر $\frac{a}{p}$ افزایش می‌یابد. (۲) همه حقوق‌ها، b برابر شوند ← خط فقر b برابر می‌شود. (۳) به همه حقوق‌ها، c درصد اضافه شود ← خط فقر، c درصد افزایش می‌یابد.

۲- شاخص بهای کالا و خدمات

۱	تعریف و نکات	- متوسط مبلغ پرداخت‌شده از سوی مصرف‌کنندگان برای تعداد زیادی از کالا و خدمات در طول یک سال. - این شاخص، تحولات قیمت را بر مبنای یک سال پایه نشان می‌دهد. - بر اساس متوسط هزینه حدود ۴۰۰ نوع کالا، خوراکی و خدمات برای هر ماه، محاسبه می‌شود. (بر اساس تعداد زیادی متغیر محاسبه می‌شود). - به واحد اندازه‌گیری بستگی ندارد.
۲	شاخص بهای کالا	$\text{شاخص جدید} = \frac{\text{قیمت اولیه}}{\text{قیمت اولیه}}$
۳	شاخص بهای دوکالا	$100 \times \left(\text{قیمت جدید کالای ۲} \times \text{مقدار اولیه کالای ۲} + \text{قیمت جدید کالای ۱} \times \text{مقدار اولیه کالای ۱} \right) = \text{شاخص بهای دوکالا}$
۴	شاخص بهای دو یا چند کالا	$\frac{\text{کل قیمت کالاها در سال جدید}}{\text{کل قیمت کالاها در سال اول}} = \text{شاخص بهای دو تا چند کالا}$

۳- تورم

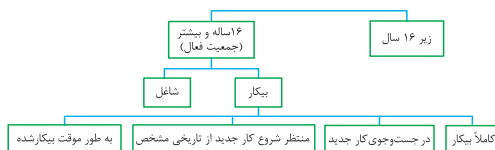
۱	تعریف	تغییر متوسط قیمت کالاها و خدمات در طول زمان را تورم می‌گویند.
۲	روابط	با قیمت کالا: $100 \times \frac{\text{قیمت سال پایه} - \text{قیمت سال جدید}}{\text{قیمت سال پایه}} = \text{تورم}$ با شاخص بهای کالا: $100 \times \frac{\text{شاخص سال پایه} - \text{شاخص سال جدید}}{\text{شاخص سال پایه}} = \text{تورم}$
۳	نکته	اگر سؤال شاخص سال پایه را نداده بود، آن را ۱۰۰ می‌گیریم.



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

ریاضی

۴- در بحث شاخص نرخ بیکاری، دسته‌بندی انسان‌ها به صورت زیر است:-



۵- نرخ بیکاری -

۱	جمعیت بیکار + جمعیت شاغل = جمعیت فعال (فقط برای افراد ۱۶ ساله و بیشتر)
۲	$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت بیکار} + \text{جمعیت شاغل}}$
۳	$\text{درصد بیکار} = \frac{\text{جمعیت بیکار}}{\text{جمعیت فعال}} \times ۱۰۰$

۶- شاخص پایه آموزش -

۱	[[میانگین تعداد کلمات در هر جمله + درصد کلمات دشوار] × ۴ / ۱۰] = شاخص پایه آموزش
۲	از رابطه بالا، عدد شاخص پایه آموزش، عددی بین ۱ تا ۱۲ درمی‌آید. این عدد نشان می‌دهد که کتاب برای پایه چندم مناسب است.
۳	اگر عدد به دست آمده عددی اعشاری مثل ۹/۷ شد، می‌گوییم این کتاب برای پایه ۹م (جزء صحیح ۹/۷) مناسب است.
۴	از این فرمول برای کتاب‌های با متون انگلیسی استفاده می‌شود.
۵	کلمات دشوار یعنی کلمات دوهجایی بدون در نظر گرفتن اسامی و کلمات آسان

۷- شاخص توده بدنی (شاخص سلامت یا نما توپ) -

$$BMI = \frac{\text{وزن (کیلوگرم)}}{(\text{قد (متر)})^2}$$

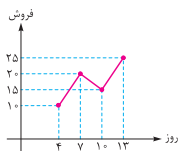
۸- تعریف دو اصطلاح -

اصطلاح	تعریف
شاخص	- یک معیاری آماری است که تغییرات نسبی در جامعه آماری را نشان می‌دهد. - معمولاً شاخص‌ها براساس چند آماره محاسبه می‌شوند.
درجه خوانایی متن	میزان سهولت درک متن از طریق انتخاب واژه‌های مناسب و رعایت قواعد نگارش

۹- سری زمانی -

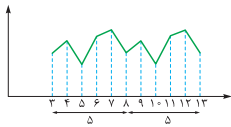
۱ به مجموعه داده‌هایی که در طی زمان یا فواصل یکسان گردآوری می‌شوند، سری زمانی می‌گوییم. مثلاً جدول زیر مربوط به یک سری زمانی است (چون فاصله Xها ثابت می‌ماند):

		+۳	+۳	+۳	
(روز) X	۴	۷	۱۰	۱۳	
(فروش) Y	۱۰	۲۰	۱۵	۲۵	



۲ برای هر سری زمانی می‌توانیم یک نمودار به اسم نمودار سری زمانی رسم کنیم. مثلاً نمودار سری زمانی جدول بالا به صورت زیر است:

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



۳ تکرار یک ویژگی در سری زمانی را الگو می‌نامند. سری‌های زمانی که نمودارشان در فواصل یکسان، تکرار می‌شود را سری‌های زمانی متناوب می‌نامیم. مثلاً سری زمانی نمودار روبه‌رو که در فاصله‌های به طول ۵ تکرار می‌شود، یک سری زمانی متناوب است.

- درون‌یابی -

۱ سری زمانی روبه‌رو را در نظر بگیرید:

x (روز)	۵	۹	۱۳	۱۷
y (فروش)	۲۶	۵۰	۸۲	۹۰

اگر بخواهیم تعداد مشتری‌ها (y) را بین دو روز که در جدول ثبت شده تخمین بزنیم، باید از درون‌یابی خطی استفاده کنیم. مثلاً درون‌یابی تعداد مشتری‌ها در جدول بالا را در روز دوازدهم ($x = ۱۲$) مرحله‌به‌مرحله حساب می‌کنیم:

توضیح مرحله	انجام مرحله روی مثال
مرحله ۱ نقطه درون‌یابی بین کدام دو نقطه ثبت شده است. $x=a$	$x = ۱۲$ بین $x = ۹$ و $x = ۱۳$ است.
مرحله ۲ شیب خط گذرنده از نقاط قبل و بعد از نقطه مورد نظر را حساب می‌کنیم.	$A(۹, ۵۰)$ $B(۱۳, ۸۲)$ $m_{AB} = \frac{۸۲ - ۵۰}{۱۳ - ۹} = \frac{۳۲}{۴} = ۸$
مرحله ۳ در معادله خط به فرم $m, y = mx + h$ را داریم (مرحله ۲) با جای‌گذاری یکی از دو نقطه (قبل یا بعد)، h را پیدا می‌کنیم.	$y = ۸x + h \xrightarrow{(۹, ۵۰)} ۵۰ = ۷۲ + h \Rightarrow h = -۲۲$
مرحله ۴ در معادله خط به‌دست آمده، $x = a$ را جای‌گذاری می‌کنیم.	$y = ۸x - ۲۲ \xrightarrow{x=12} y = ۹۶ - ۲۲ = ۷۴$

۲ اگر نقطه درون‌یابی دقیقاً وسط (میانگین) دو نقطه ثبت شده باشد، مقدار درون‌یابی هم از میانگین y نقطه قبل و بعد به دست می‌آید. مثلاً در جدول

x (روز)	۵	۹	۱۳	۱۷
y (فروش)	۲۶	۵۰	۸۲	۹۰

$x = ۱۱$ دقیقاً وسط $x = ۹$ و $x = ۱۳$ است، پس مقدار درون‌یابی در $x = ۱۱$ برابر با میانگین ۵۰ و ۸۲ است:

$$x = ۱۱ \text{ درون‌یابی در } x = ۱۱ = \frac{(مقدار در x=۹) + (مقدار در x=۱۳)}{۲} = \frac{۵۰ + ۸۲}{۲} = ۶۶$$

۳ خطای درون‌یابی در هر نقطه برابر است با قدرمطلق تفاضل مقدار واقعی و مقدار درون‌یابی:

- برون‌یابی -

۱ سری زمانی روبه‌رو را در نظر بگیرید:

x (آزمون)	۲	۳	۴	۵	۶
y (نمره)	۱۲	۸	۹	۱۶	۱۵

اگر بخواهیم نمره آزمون (y) را در آزمون‌های بعدی یا قبلی که در جدول ثبت شده تخمین بزنیم، باید از برون‌یابی خطی استفاده کنیم. مثلاً برون‌یابی نمره آزمون هفتم ($x = ۷$) در جدول بالا را مرحله‌به‌مرحله حساب می‌کنیم:

توضیح مرحله	انجام مرحله روی مثال
مرحله ۱ محاسبه نقطه میانگین (میانگین x و میانگین y نقاط جدول را حساب می‌کنیم)	$\bar{x} = \frac{۲+۳+۴+۵+۶}{۵} = \frac{۲۰}{۵} = ۴$ $\bar{y} = \frac{۱۲+۸+۹+۱۶+۱۵}{۵} = \frac{۶۰}{۵} = ۱۲$ $\Rightarrow C(۴, ۱۲)$
مرحله ۲ شیب خط گذرنده از نقطه پایانی جدول و نقطه میانگین را حساب می‌کنیم.	$B(۶, ۱۵)$ پایانی $C(۴, ۱۲)$ میانگین $m_{BC} = \frac{۱۵ - ۱۲}{۶ - ۴} = \frac{۳}{۲}$
مرحله ۳ در معادله خط به فرم $m, y = mx + h$ را داریم (مرحله ۲) با جای‌گذاری یکی از دو نقطه (پایانی یا میانگین)، h را پیدا می‌کنیم.	$y = \frac{۳}{۲}x + h \xrightarrow{(۴, ۱۲)} ۱۲ = ۶ + h \Rightarrow h = ۶$
مرحله ۴ در معادله خط به‌دست آمده، $x = a$ را جای‌گذاری می‌کنیم.	$y = \frac{۳}{۲}x + ۶ \xrightarrow{x=7} y = \frac{۳}{۲}(۷) + ۶ = ۱۶/۵$

۲ هرچه نقاط روی نمودار سری زمانی، بیشتر در یک امتداد باشند (یعنی به خط راست شبیه‌تر باشد)، درون‌یابی و برون‌یابی بهتری امکان‌پذیر است.



پایه دوازدهم

- چرخه آمار -

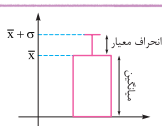
۱. گام‌های چرخه آمار در حل مسائل

شماره گام	اسم گام	کارهایی که در آن گام انجام می‌شود.
۱	بیان مسئله	(۱) فهم مسئله (۲) تعریف دقیق مسئله
۲	طرح و برنامه‌ریزی	(۱) شیوه اندازه‌گیری (۲) روش نمونه‌گیری (۳) روش کار (۴) شیوه تحلیل داده‌ها
۳	گردآوری و پاک‌سازی داده‌ها	(۱) گردآوری داده‌ها (۲) سازمان‌دهی داده‌ها (۳) پاک‌سازی داده‌ها
۴	تحلیل داده‌ها	(۱) مرتب‌کردن داده‌ها (۲) معیارها (۳) نمودارها (۴) جدول‌ها
۵	بحث و نتیجه‌گیری	(۱) تفسیر نتایج (۲) نتیجه‌گیری (۳) نقد و بررسی (۴) ایده‌های جدید (۵) پیدا کردن پاسخ مسئله اصلی

۲. برخی جملات مهم کتاب درسی

۱	طرح یک پرسش دقیق و شفاف، مهم‌ترین گام رسیدن به پاسخ است.
۲	در اندازه‌گیری (گام ۲)، اطلاعات کیفی (توصیفی) را به کمی (عددی) تبدیل می‌کنیم.
۳	برای توصیف داده‌های کیفی (اسمی یا ترتیبی) گزارش درصد باید همیشه با گزارش تعداد همراه باشد.
۴	کدام نمودار بهتر نشان می‌دهد که داده‌ها کجا متراکم‌تر و کجا پراکنده‌ترند؟ نمودار جعبه‌ای.
۵	مطمئن‌ترین نمودار برای متغیر کمی، نمودار جعبه‌ای است.
۶	اگر در داده‌هایمان داده دورافتاده داشته باشیم، از بین معیارهای گرایش به مرکز، «میان» و از بین معیارهای پراکندگی، «دامنه میان‌چارکی» را باید انتخاب کنیم و نباید سراغ میانگین و انحراف معیار برویم. اگر سراغ میانگین و انحراف معیار برویم، گام ۴ اشتباه انجام می‌شود.
۷	اندازه و اعضای نمونه باید متناسب با جامعه انتخاب شود. در غیر این صورت گام ۲ دچار مشکل می‌شود.
۸	اگر در موضوع مورد بررسی، از دو واحد در اندازه‌گیری استفاده کنیم، در واقع شیوه اندازه‌گیری (مربوط به گام ۲) اشتباه بوده و در نتیجه گام ۲ اشتباه انجام شده است.

۳. نمودار میانگین - انحراف معیار

۱	برای چه داده‌هایی استفاده می‌شود؟	برای داده‌هایی که بینشان داده دورافتاده نداریم.
۲	جزئیات روی نمودار	ارتفاع مستطیل = میانگین داده‌ها طول میله خطا = انحراف معیار داده‌ها 

۴. روابطی که در این‌جا از آمار سال‌های دهم و یازدهم نیاز داریم

اسم معیار	نماد	فرمول به فارسی	فرمول به ریاضی
میانگین	$\bar{x}$	مجموع = میانگین تعداد	$\bar{x} = \frac{x_1 + x_2 + \dots + x_n}{n}$
میان	Q_2	تعداد داده‌ها فرد باشد $\leftarrow$ داده وسطی	داده $\left(\frac{n+1}{2}\right)^{ام}$
چارک اول	Q_1	تعداد داده‌ها زوج باشد $\leftarrow$ میانگین دو داده وسطی	میانگین داده $\left(\frac{n}{2}\right)^{ام}$ و $\left(\frac{n}{2} + 1\right)^{ام}$
چارک سوم	Q_3	میانۀ نیمۀ اول داده‌ها	نیمۀ دوم نیمۀ اول $2, 3, 5, 8, 10, 14, 19, 25, 30$ $Q_1 = 8, Q_3 = 22$
		میانۀ نیمۀ دوم داده‌ها	

معیارهای گرایش به مرکز

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



اسم معیار	نماد	فرمول به فارسی	فرمول به ریاضی
دامنه تغییرات	R	اختلاف بزرگ‌ترین و کوچک‌ترین داده	$R = \max - \min$
واریانس	σ^2	مجموع مربعات اختلاف داده‌ها از میانگین = واریانس تعداد	$\sigma^2 = \frac{(x_1 - \bar{x})^2 + (x_2 - \bar{x})^2 + \dots + (x_n - \bar{x})^2}{n}$
انحراف معیار	σ	واریانس = $\sqrt{\text{انحراف معیار}}$	$\sigma = \sqrt{\frac{(x_1 - \bar{x})^2 + (x_2 - \bar{x})^2 + \dots + (x_n - \bar{x})^2}{n}}$
دامنه میان‌چارکی	IQR	چارک اول - چارک سوم = دامنه میان‌چارکی	$IQR = Q_3 - Q_1$

علوم و فنون ادبی

پایه دهم

درس ۷: سبک و سبک‌شناسی (سبک خراسانی)

- به مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر یا نویسنده در نحوه بیان اندیشه بکار می‌گیرد، سبک شعری می‌گویند.
- طبقه‌بندی سبک شعر براساس نظریه ارسطو:
- ۱) نام شاعر یا نویسنده: سبک فردوسی، سبک بیهقی ۲) براساس زمان و دوره اثر: سبک دوره غزنوی، سبک دوره مشروطه. ۳) براساس موضوع و نوع: سبک عرفانی، سبک حماسی. ۴) براساس محیط جغرافیایی: سبک آذربایجانی، سبک خراسانی. ۵) به تناسب مخاطب: سبک عامیانه، سبک عالمانه ۶) براساس هدف: سبک تعلیمی، سبک فکاهی. ۷) براساس قلمرو دانش: سبک علمی، فلسفی.
- طبقه‌بندی سبک شعر فارسی براساس حوزه جغرافیایی و تاریخی: (طبق تقسیم‌بندی محمدتقی بهار)
- ۱) سبک خراسانی یا ترکستانی (از آغاز شعر فارسی تا قرن ششم) ۲) سبک عراقی (از ششم تا دهم) ۳) سبک هندی (از دهم تا سیزدهم) ۴) دوره بازگشت (در تمام طول قرن سیزدهم) ۵) دوره مشروطه ۶) دوره معاصر
- بر بنیاد این تقسیم‌بندی و با توجه به دوره‌های تاریخی، نثر فارسی هم در شش رده طبقه‌بندی می‌شود:
- ۱) دوره سامانی (۳۰۰ تا ۴۵۰ ه. ق) ۲) دوره غزنوی و سلجوقی اول (۴۵۰ تا ۵۵۰ ه. ق) ۳) سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان، نثر فنی (۵۵۰ تا ۶۱۶ ه. ق) ۴) دوره سبک عراقی، نثر مصنوع (۶۰۰ تا ۱۲۰۰ ه. ق) ۵) دوره بازگشت ادبی (۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ ه. ق) ۶) دوره سادهنویسی (۱۳۰۰ ه. ق تا امروز)

شعر -

- ۱) نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام ← ابتدا در سیستان و سپس در خراسان بزرگ پدید آمد. ۲) سبک خراسانی برحسب زمان به سه سبک فرعی تقسیم می‌شود ← سامانی، غزنوی، سلجوقی ۳) دوره سلجوقی را بینابین می‌نامند؛ زیرا ویژگی‌های سبک عراقی در آن به چشم می‌خورد.
- ویژگی‌های شعر خراسانی در ۳ قلمرو:

زبانی	۱) سادگی زبان شعر ۲) کم بودن لغات عربی ۳) کم شدن لغات بیگانه ۴) تفاوت تلفظ برخی کلمات در مقایسه با زبان امروز (یک / هزار) ۵) کهنه و مهجور بودن کلمات (گیر / جوشن) ۶) استفاده از دو نشانه برای یک مضم
ادبی	۱) قالب عمده شعر این دوره، قصیده است. ۲) شکل گرفتن قالب‌های مسمط، ترجیع‌بند و مثنوی. ۳) رشد قالب غزل در اواخر این دوره. ۴) استفاده از آرایه‌ها در حد اعتدال است. ۵) قافیه و ردیف بسیار ساده است. ۶) بیشتر تشبیه حسی استفاده می‌شود.
فکری	۱) روح شادی و نشاط و خوش‌باشی. ۲) شعر واقع‌گراست. ۳) توصیفات ساده، طبیعی، محسوس و عینی. ۴) معشوق زمینی است. ۵) روح حماسه بر ادبیات این دوره حاکم است. ۶) اشعار پندآموز و اندرزگونه این دوره ساده است. ۷) مضمون عمده ← حماسه، مدح، اندرز. ۸) فکر و کلام ساده است.



- نثر -

ویژگی‌های دوره سامانی:

- ۱) ایجاز و اختصار در لفظ و معنا
 - ۲) تکرار فعل
 - ۳) کوتاهی جملات
 - ۴) لغات کم کاربرد فارسی
 - ۵) بهره‌گیری کم از لغات عربی
 - ۶) افزایش نشانه‌های جمع فارسی
- بر جمع عربی (۷) نثر این دوره بیشتر علمی است. (۸) گاهی نثرهای حماسی، تاریخی و دینی هم دیده می‌شود. از نمونه‌های این نثر، ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التفهیم، شاهنامه منثور ابومنصور

ویژگی‌های دوره غزنوی و سلجوقی:

- ۱) اطبان (جمله‌ها طولانی هستند)
 - ۲) تمثیل و استشهداد به آیات، احادیث و اشعار.
 - ۳) حذف افعال به قرینه
 - ۴) افزایش کاربرد لغات عربی
- از نمونه‌های موفق این نثر، تاریخ بیهقی، قابوس‌نامه، سفرنامه ناصر خسرو، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت و کشف‌المحجوب.

نکات مهم

- ۱) محتوای عمده نثر دوره سامانی، علمی است.
- ۲) سبک خراسانی = سبک سامانی = سبک ترکستانی
- ۳) تقسیم‌بندی ملک‌الشعرا در نثر براساس دوره تاریخی است.

** درس ۸: وزن شعر فارسی **

وزن شعر نظم است بر مبنای کمیت هجاها (یعنی بر پایه چینش هماهنگ هجاهای کوتاه و بلند استوار است). عروض، علمی است که قواعد وزن شعر و طبقه‌بندی وزن‌ها را از جنبه نظری و علمی تعیین می‌کند. مصراع، واحد وزن در شعر فارسی است. تقطیع، قطعه‌قطعه کردن شعر به ارکان عروضی و هجاها.

- خط عروضی و قوانین آن -

- ۱) همزه آغاز یک هجا اگر تلفظ نشود، در خط عروضی هم نباید نوشته شود. «طاعت آن» باید «طاعتان» نوشته و خوانده شود.
- ۲) در خط عروضی باید حرکات (مصوت‌های کوتاه) گذاشته شود. «من و او» باید «مَنْ او» نوشته شود.
- ۳) حروفی که در خط هست اما به تلفظ در نمی‌آید، باید در خط عروضی حذف شود. «هر چه بر نفس خویش» باید «هر چ بر نفس خیش» نوشته شود.
- ۴) حروف مشدد را دو بار می‌نویسیم. «دژنده» باید «دژرنده» نوشته شود.

- تقطیع هجایی -

- ۱) مصراع را زیر هم می‌نویسیم. آن‌ها را به ارکان و سپس هجاها تقسیم می‌کنیم. (۳) در این تقسیم‌بندی، باید در هر خانه، فقط یک مصوت وجود داشته باشد.
- ۴) علامت هر هجا را زیر آن می‌نویسیم. (۵) وزن شعر را با توجه به چینش موجود پیدا می‌کنیم.

مثال

«سینه مالامال درد است ای دریغا مرهمی / دل ز تنهایی بهجان آمد خدا را همدمی»

(۳) در هر خانه یک مصوت وجود دارد.

پایه‌های آوایی	سی ن ما لا	مال دَر دس	تی دِ ری غا	قِر ه می
نشانه‌های هجایی	دل ز تن ها	بی بی جان آ	مد خ دا را	هم د می
(۴) علامت هر هجا	- - - U -	- - - U -	- - - U -	- U -
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعِلن

(۵) وزن شعر

- برای پیدا کردن وزن شعر به شیوه تقطیع هجایی، اول باید خوانش درست شعر اتفاق بیفتد. دوم، نوشتن شعر به خط عروضی است. سوم تقطیع هجایی است به همان روشی که ذکر شد. چهارم مشخص کردن پایه‌های آوایی طبق چینش هجاها و نام‌گذاری پایه‌های آوایی است. پس از نام‌گذاری، وزن شعر به دست می‌آید.
- برای پیدا کردن وزن شعر به شیوه سماعی باید اول خوانش درست شعر اتفاق بیفتد. سپس به درنگ‌ها توجه شود. بعد از آن، باید ریتم بیت کشف شود. و در آخر تطبیق ریتم شعر با افاعیل (وزن واژه‌های شعر فارسی).

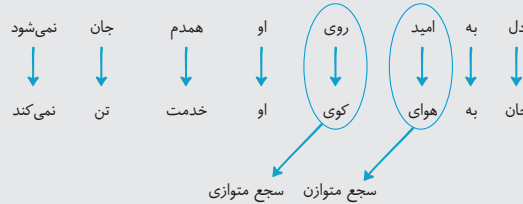
مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



♦♦ درس ۹: موازنه و ترصیع ♦♦

موازنه: تقابل سجع‌های متوازن یا متوازی در دو یا چند جمله است که به هم آهنگی آن‌ها می‌انجامد. در واقع یعنی اگر دو مصراع یا جمله را زیر هم بنویسیم و واژه‌های آن‌ها دوبه‌دو روی هم قرار بگیرند، و با هم سجع متوازن یا متوازی داشته باشند، آرایه موازنه داریم.

مثال



این تقابل سجع‌ها افزایش‌دهنده موسیقی لفظی شعر است.

ترصیع، همان موازنه است با این تفاوت که تمام سجع‌های آن متوازی است.

ای منور به تو نجوم جمال
ای مقتر به تو رسوم کمال
نکات دیگر، همه آن‌ها با هم سجع متوازی دارند.

موازنه و ترصیع در نثر نیز اتفاق می‌افتد: در بدایت بند و چاه بود، در نهایت تخت و گاه بود.

سجع مطرف موازنه یا ترصیع نمی‌سازد.

ترصیع از موازنه موسیقایی‌تر است. (موسیقی بیشتری ایجاد می‌کند).

اگر تمام کلمات با هم سجع متوازی داشتند و فقط یکی از آن‌ها سجع متوازن داشت، باز هم موازنه حساب می‌شود. نه ترصیع!

در موازنه می‌توانیم علاوه بر سجع متوازن، سجع متوازی هم داشته باشیم.

♦♦ پایه دوازدهم ♦♦

♦♦ درس ۱۴ ♦♦

– قسمت اول: شعر –

سبک بازگشت

سبک بازگشت تحوّل ویژه‌ای در شیوه سخن به وجود نیاورد.

ویژگی‌های سبکی دوره بازگشت همان ویژگی‌های سبک خراسانی و عراقی است.

– خصوصیات سبکی دوره بیداری –

پیش از پرداختن به نکات سبکی این دوره به یک نکته مهم توجه کنید: شاعران این دوره در دو جریان اصلی تقسیم‌بندی می‌شوند: یکی جریان پایبند به سنت‌های ادبی پیشین و دسته دوم کسانی که آن زبان یا سنت‌ها را (به دلایل مختلف) کنار زده بودند و از زبان زنده اجتماع استفاده می‌کردند. در ادامه، بیشتر با خصوصیات شعری هر کدام از این دو گروه آشنا خواهید شد.

– سطح زبانی –

شعر این دوره در خدمت بیداری مردم و اهداف سیاسی است. این هدف سبب ایجاد این خصوصیات در شعر شد:

۱ قابل فهم بودن برای عامه مردم

۲ محاوره‌ای بودن

۳ عمومیت یافتن شعر و منتشر شدن آن در روزنامه‌ها به عنوان زبان بزنده نهضت

۴ زبان شعر در این دوره دو جریان متفاوت یافت: الف) جریان وفادار به سنت‌های ادبی و زبان شعری گذشته، به نمایندگی ملک‌الشعرا بهار و ادیب‌الممالک فراهانی (ب) گروهی که از زبان جدید بهره می‌بردند که شامل اصطلاحات عامیانه، واژه‌های مربوط به موسیقی عامیانه و کلمات فرنگی می‌شد؛ مانند سید اشرف‌الدین حسینی و عارف قزوینی.

۵ توجه به واژگان کهن (در شعر شاعران دسته اول)

۶ گسترش دایره واژگان شعر با ورود کلمات خارجی

۷ کم‌توجهی به دستور زبان صحیح در شعر برخی از شعرا



- دلایل ضعف دستور زبان در شعر دوره بیداری -

- ۱ گرایش بیشتر به محتوا و توجه نکردن به ظاهر شعر
- ۲ تسلط نداشتن شاعران بر زبان شعر و کاربردهای صحیح زبان
- ۳ شتاب در تولید محتوا برای مردم و روزنامه‌ها که باعث کم شدن دقت می‌شد.

- سطح ادبی -

- ۱ قالب شعری: در شعر شاعران سنت‌گرا قالب غزل و قصیده بیشتر استفاده می‌شد؛ اما شاعرانی که گرایش به عامه داشتند از مستزاد و تصنیف و چهارپایه و ترانه استفاده می‌کردند.
- ۲ آرایه‌ها: آرایه‌های ادبی در شعر شاعران عامه‌گرا کم‌تر بود.
- ۳ تخیل: علاوه بر استفاده از تصاویر و تخیل شاعران پیشین، نوآوری‌هایی هم در عرصه تخیل دیده شد. (به عنوان نمونه در اشعار میرزاده عشقی)
- ۴ موسیقی و عروض: شاعران سنت‌گرا پایبند به سنت‌های موسیقایی شعر بودند، ولی شاعران عامه‌گرا پایبندی کم‌تری به آن داشتند.

- سطح فکری -

- همراهی شعر با تحولات زمانه و حضور مردم در عرصه سیاست و اجتماع این نتایج را دربرداشت:
- ۱ مضامین تازه به شعر وارد شد.
 - ۲ نگرش شاعران از کلی‌گرایی و ذهنیت‌گرایی به جزئی‌نگری و عینیت‌گرایی تغییر کرد.
 - ۳ مضامین کلی و ذهنی، اشعار اخلاقی و عرفانی و غزل‌های عاشقانه ترک شد.
 - ۴ مضامین وطنی رونق یافت.

- مضامین اصلی شعر بیداری -

- ۱ آزادی: مترادف با دموکراسی غربی، یعنی دارابودن آزادی و حقوق فردی و صاحب‌اختیاربودن در سرنوشت خود و جامعه
- ۲ وطن: سرزمینی که مردمانی با مشترکات قومی، زبانی و فرهنگی در آن زندگی می‌کنند.
- ۳ قانون: به عنوان بنیادی‌ترین تفکر و خواست مشروطه‌خواهان
- ۴ تعلیم و تربیت جدید و همگانی
- ۵ توجه به مردم و انعکاس خواسته‌های آنان، توجه به کارگران و محرومان و همچنین جایگاه زن در اجتماع
- ۶ توجه به دانش‌ها و فنون جدید و مضامین و اصطلاحات آن
- نمونه شاعرانی که به مفهوم وطن توجه داشتند: ملک‌الشعرا بهار، دهخدا و ادیب‌الممالک فراهانی
- نمونه شاعرانی که به حقوق طبقه کارگر و محروم پرداختند: ابوالقاسم لاهوتی و فرخی یزدی

- قسمت دوم: نثر -

- از آغاز سلطنت ناصرالدین‌شاه تا پدیدآمدن مشروطیت نثر ساده‌تر شد.
- آغاز این سادگی از دوره قائم‌مقام بود.
- درون‌مایه نثر تا پیش از انقلاب مشروطه آزادی و تجدد و سنت‌شکنی بود.
- به تدریج در این دوره لحن نثر آرام‌تر شد.

- سطح زبانی -

- ۱ واژه‌های عربی کم‌تر و واژه‌های انگلیسی و ترکی و فرانسوی و روسی وارد زبان می‌شود.
- ۲ عبارت‌های وصفی طولانی و لفظ‌پردازی‌های بی‌جا کم می‌شود.
- ۳ ساده و قابل فهم است.
- ۴ ساختار دستوری جملات با طبیعت زبان هماهنگ‌تر می‌شود.

- سطح ادبی -

- ۱ قید و بندهای نثر فنی و مصنوع از بین می‌رود.
- ۲ صنایع ادبی از نثر جدا می‌شود.
- ۳ در برخی از داستان‌های این دوره راوی سوم شخص ظاهر می‌شود و با خواننده سخن می‌گوید (امروزه این کار ضعف تکنیکی محسوب می‌شود).
- ۴ داستان‌ها مطابق ذوق عامه نوشته می‌شود.
- ۵ سبک نویسندگی مطابقت کاملی با ادبیات داستانی مدرن نداشت.

- سطح فکری -

- ۱ درون‌مایه‌های شعر و نثر دوره بیداری تقریباً یکسان است.
- ۲ طنز سیاسی و اجتماعی رواج یافت.
- ۳ مبارزه با استعمار از موضوعات رایج نثر روزنامه‌ای بود.
- ۴ در بسیاری از نثرها، خصوصاً در داستان‌ها، مبارزه با خرافات دیده می‌شود.
- ۵ حقوق زنان و تعلیم و تربیت نوین مورد توجه بود.

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



جامعه‌شناسی

پایه دهم

درس ۹: بازتولید هویت اجتماعی (چگونگی شکل‌گیری و تداوم هویت اجتماعی)

تعریف: بازتولید هویت اجتماعی، به معنای انتقال آن (هویت اجتماعی) از نسلی به نسل دیگر است؛ به گونه‌ای که علی‌رغم گذر زمان و پذیرش تغییرات، ویژگی‌های اساسی آن پایدار می‌ماند و دوام می‌آورد.

نقش جامعه‌پذیری در بازتولید هویت اجتماعی

- تعریف: به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، جامعه‌پذیری می‌گویند.
- حیوانات براساس غریزه به نقش و وظایف خود آگاه می‌شوند؛ اما انسان برخلاف سایر موجودات، به صورت غریزی به این نقش‌ها و وظایف آگاهی ندارد. انسان باید با آگاهی خود: (۱) موقعیت اجتماعی را بشناسد، (۲) حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد، (۳) با عمل به حقوق و تکالیف خود، هویت اجتماعی خود را شکل دهد.
 - هر فرد در یک جهان اجتماعی متولد می‌شود که به وسیله نسل‌های قبل از او ایجاد شده است؛
 - پس از تولد هر فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد.
 - برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جهان اجتماعی، شیوه زندگی در آن را می‌آموزد.
 - انسان با آموزش‌هایی که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جهانی که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند.

کژروی اجتماعی

تعریف: جامعه تلاشی می‌کند افراد را جامعه‌پذیر کند، اما فرایند جامعه‌پذیری همیشه به طور کامل انجام نمی‌گیرد و با موفقیت همراه نیست. همواره افرادی هستند که جذب عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی خود نمی‌شوند و نقشی را که نهادها و سازمان‌های مختلف جامعه از آن‌ها انتظار دارند، نمی‌پذیرند. به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، کژروی اجتماعی می‌گویند.

نکته

جامعه، افرادی را که دچار کژروی اجتماعی شده‌اند، رها نمی‌کند. در تمامی بخش‌های جهان اجتماعی، سازوکارهایی برای نظارت بر اعضا وجود دارد. عضویت در جهان اجتماعی همواره با نظارت و کنترل همراه است و صرفاً به این توصیه بسنده نمی‌شود که: «من آن‌چه شرط بلاغ است با تو می‌گویم / تو خواه از سختم پند گیر خواه ملال».

نقش کنترل اجتماعی در بازتولید هویت اجتماعی

- تعریف: به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، کنترل اجتماعی می‌گویند.
- هر جامعه‌ای علاوه بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری و کنترل کژرویی‌های اجتماعی، روش‌های زیر را به کار می‌گیرد:
 - ۱) تبلیغ و اقناع: هر جهان اجتماعی می‌کوشد تا از طریق آموزش، عقاید و ارزش‌های خود را به گونه‌ای ترویج کند که افراد برای پذیرش آن‌ها اقناع شوند. اقناع روشی است که به واسطه آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود. هر چه قدرت اقناع یک فرهنگ بیشتر باشد، افراد کنش‌ها و اعمال متناسب با آن فرهنگ را بهتر انجام می‌دهند. فرهنگ‌هایی که ظرفیت منطقی و عقلانی بیشتری دارند و با فطرت آدمیان سازگارترند، از قدرت اقناع بیشتری برخوردارند. تشویق و تنبیه به دو شیوه رسمی و غیررسمی انجام می‌شود:
 - ۲) تشویق و پاداش: هر جهان اجتماعی، افرادی را که مطابق ارزش‌ها و قواعدش عمل کنند، تشویق می‌کند.
 - ۳) تنبیه و مجازات: هر جهان اجتماعی، افرادی را که دچار کژروی اجتماعی شوند، تنبیه و مجازات می‌کند.
 - شیوه رسمی: توسط سازمان‌ها و مؤسسات اجتماعی مانند پلیس، دادگاه و زندان صورت می‌گیرد.
 - شیوه غیررسمی: بیشتر در خانواده، همسالان یا به وسیله عموم افراد جامعه انجام می‌شود و آثار و نتایج عمیق‌تری دارد.

● هر جهان اجتماعی که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد:

الف) در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد. ب) بازتولیدش با مشکل مواجه می‌شود. پ) دوام و بقای آن تهدید می‌شود.

نقش امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی

● در جهان اسلام، امر به معروف و نهی از منکر در فرایندهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارد و دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دنیوی بسیاری است.

سطوح امر به معروف و نهی از منکر	(۱) همگانی: گاهی به عهده همه افراد جامعه است. (۲) خاص: گاهی وظیفه سازمان‌های رسمی و حکومتی است.
روش‌های امر به معروف و نهی از منکر	(۱) تبلیغی (۲) تشویقی (۳) تنبیهی



درس ۱۰: تغییرات هویت اجتماعی

فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی در جهان اجتماعی

بررسی سه مفهوم

- موقعیت اجتماعی -

تعریف: منظور از موقعیت اجتماعی، جایگاهی است که فرد در جامعه یا در یک گروه اجتماعی دارد.

ما با شناخت موقعیت اجتماعی فرد، دربارهٔ او اطلاعاتی به دست می‌آوریم.

کسب هویت‌های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت‌های اجتماعی افراد همراه است.

- تحرک اجتماعی -

فرد در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی در محیط خانواده و ... می‌پذیرد؛ یعنی خودشان در به دست آوردن آن نقشی ندارند.

با گذر زمان، به گونه‌ای فعال با محیط اجتماعی خود برخورد می‌کنند؛ هویت اکتسابی خود را به دست می‌آورند و متناسب با این هویت اجتماعی جدید، از موقعیت

اجتماعی جدیدی برخوردار می‌شوند.

تعریف: جابه‌جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر را تحرک اجتماعی می‌گویند. تحرک اجتماعی دارای انواعی است:

تقسیم‌بندی اول	صعودی	کارمند یک اداره که مدیر کل می‌شود.
	نزولی	مدیر اداره که عزل می‌شود و به عنوان کارمند عادی فعالیت می‌کند.
	افقی	کارمندی که از یک بخش به بخش دیگر منتقل می‌شود.
تقسیم‌بندی دوم	درون‌نسلی	تحرک اجتماعی یک فرد در طول زندگی خودش
	میان‌نسلی	تحرک اجتماعی یک فرد نسبت به والدینش

- انسداد اجتماعی -

تعریف: مسدودبودن راه ارتقا و تحرک اجتماعی صعودی را انسداد اجتماعی می‌گویند.

انسداد اجتماعی بیشتر در جوامعی وجود دارد که در آن، موقعیت اجتماعی افراد براساس ویژگی‌های انتسابی تعیین می‌شود؛ ولی در بسیاری از جوامع که مبتنی بر ویژگی‌های

اکتسابی هستند نیز، شرایط به گونه‌ای است که در عمل، راه تحرک اجتماعی بر محرومان بسته می‌شود.

مثال، در جوامعی که رده‌بندی موقعیت‌های اجتماعی براساس سرمایه اقتصادی است، محرومان با انسداد اجتماعی مواجه‌اند.

طبقه‌بندی افراد در جوامع فئودالی

در جوامع فئودالی غربی، موقعیت اجتماعی افراد به رابطهٔ آن‌ها با زمین بستگی داشت. افراد در این جوامع، به سه گروه تقسیم می‌شوند:

۱) ارباب (فئودال)

۲) رعیت

۳) طبقه متوسط

طبقه‌ای از مردم عادی بودند که اشراف و رعیت نبودند؛ به همین دلیل از آن‌ها به طبقه سوم یاد می‌شود که شامل صراف، بتا، کفایتش و ... بود.

این طبقه هویت منفی و پست داشت و از نظر قانونی و اجتماعی از هیچ اهمیت و اعتباری برخوردار نبودند؛ ولی به علت فواید و کارکردهایی که داشت تحمل می‌شد.

«طبقه سوم چیزی نیست، اما می‌خواهد چیزی بشود.»

پیدایش فرهنگ فایده‌گرایی: طبقه متوسط جهت کسب اعتبار برای خودش، به ارزیابی گروه‌های دیگر براساس مفید بودن آن‌ها پرداخت. —————> با ارزیابی اشراف با معیار

فایده‌مندی، آن‌ها را بی اعتبار می‌دانست؛ زیرا آن‌ها را سربار و مصرف‌کننده معرفی می‌کرد. —————> پذیرش معیار فایده‌مندی توسط عموم مردم، به پیدایش فرهنگ فایده‌گرایی منجر

شد. —————> این روند به شکل‌گیری جوامعی انجامید که در آن‌ها وضعیت اقتصادی افراد، موقعیت اجتماعی آن‌ها را معین می‌کرد و سایر ویژگی‌های هویتی به آن وابسته می‌شد.

فرصت‌ها و محدودیت‌های تغییرات هویتی

در جهان‌های اجتماعی مختلف، فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های جدید، متفاوت است. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌هایی که دارد،

برخی تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند. در جدول زیر به بررسی امکان تغییرات هویتی در برخی جهان‌های اجتماعی می‌پردازیم:

جامعهٔ آپارتاید (جداخوانی)	● براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد.
	● صرفاً برای یک نژاد خاص، امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد.
جامعهٔ سرمایه‌داری	● قواعد و روابط آن براساس ارزش‌های اقتصادی است.
	● تحرک اجتماعی صعودی را تنها برای کسانی ممکن می‌سازد که منابع ثروت را در اختیار دارند.

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



جامعه دینی و معنوی	● هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی انسان را نفی کنند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند. ● حول ارزش‌های دنیوی و این‌جهانی شکل می‌گیرد و تحرک اجتماعی را در محدوده همان ارزش‌ها به رسمیت می‌شناسد.
جامعه سکولار و دنیوی	● هویت دینی و معنوی افراد نمی‌تواند در آن بروز و ظهور داشته باشد. ● فعالیت‌هایی که هویت دینی افراد را آشکار کند، منع می‌کند. مثال ۱، جلوگیری از تحصیل دختران محجبه در برخی جوامع غربی مثال ۲، عدم امکان رای‌دادن به قوانین الهی در کشورهای تحت نفوذ غرب، مانند الجزایر (دموکراسی کنترل‌شده)

نکته

هویت شغلی افراد در جامعه سرمایه‌داری و جهان اسلام:

- در جامعه سرمایه‌داری ← مالکیت ثروت همراه با شغل، از پایه‌های اساسی هویت‌یابی هستند. به همین دلیل ← امروزه شغل اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است.
- در جهان اسلام ← مشاغل به سه دسته تقسیم می‌شوند: (۱) حرام، (۲) مکروه و (۳) مستحب. اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفه‌ها، آثار مخرب و سازنده این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان‌هاست. اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای اعمال می‌کند.

انواع تغییرات هویتی جهان اجتماعی

توسعه فرهنگی	● مادامی که هویت اجتماعی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اساسی جامعه شکل می‌گیرد، تغییرات هویتی افراد و گروه‌ها با هویت جهان اجتماعی سازگار است و مورد تشویق و تأیید جامعه نیز قرار می‌گیرد. مثال، فردی که با تلاش و پشتکار خود، در یکی از عرصه‌های اجتماعی دست به نوآوری می‌زند و از این طریق، موقعیت اجتماعی خود و برخی از افراد جامعه را ارتقا می‌بخشد، مورد تأیید جامعه واقع می‌شود.
تعارض فرهنگی	● تغییرات هویتی افراد، گاه از مرزهای مورد قبول جهان اجتماعی فراتر می‌رود. اگر تغییرات هویتی بیرون از مرزهای مقبول جهان اجتماعی رخ دهد و شیوه‌هایی از زندگی را که با عقاید و ارزش‌ها در تقابل هستند به دنبال بیاورد، به تعارض فرهنگی منجر می‌شود که اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد.
	علل تعارض فرهنگی ← درونی ← نوآوری‌ها و فعالیت‌های اعضای جهان اجتماعی ← بیرونی ← پیامد تأثیرپذیری از جهان‌های اجتماعی دیگر
	نکته، هر نوع ابداع یا نوآوری یا هر نوع مواجهه با جهان‌های اجتماعی دیگر، به تعارضات فرهنگی منجر نمی‌شود.

درس ۱۱: تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل درونی)

هویت جهان اجتماعی چیست؟

- هویت اجتماعی افراد، محصول عضویت گروهی آن‌هاست.
- جهان اجتماعی نیز هویتی دارد که از آن به هویت فرهنگی جهان اجتماعی یاد می‌شود.
- ← براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد.
- ← هنگامی محقق می‌شود که در میان مردم، عقاید و ارزش‌های مشترکی پدید آید.
- ← هرگاه نوعی از عقاید و ارزش‌ها از سوی افراد پذیرفته و به رسمیت شناخته شود، هویت فرهنگی جهان اجتماعی پدید می‌آید.
- ← پدیده‌ای گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است.
- ← یعنی هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جهان اجتماعی شکل می‌گیرد.
- ← فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی خانوادگی، شغلی و ... متناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار است، مقاومت می‌کند.
- ← تا زمانی که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جهان اجتماعی باشد و برای آن‌ها مهم باشد، دوام می‌آورد. هرگاه ارزش‌ها و عقاید اهمیت خود را نزد اعضای جهان اجتماعی از دست بدهند، دوام هویت فرهنگی با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی چگونه است؟

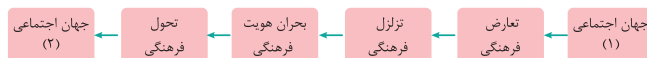
- ← تغییراتی که درون یک جهان اجتماعی رخ می‌دهد. (تغییرات خرد و سطحی)
- ← تغییراتی که یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌کند. (تغییرات کلان و عمیق)
- ← به این‌گونه تغییرات اساسی، تحول فرهنگی می‌گویند.

هویت فرهنگی
جهان اجتماعی
هویت اجتماعی
افراد



- مراحل فرایند تحولات هویتی جهان اجتماعی -

مراحل	مفاهیم	توضیحات
۱	تعارض فرهنگی	شیوه زندگی ناسازگار با عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی است.
۲	تزلزل فرهنگی	گاهی تعارض فرهنگی تداوم می‌یابد و جهان اجتماعی نمی‌تواند کنش‌های اجتماعی را براساس فرهنگ خود سامان دهد. این وضعیت به تزلزل فرهنگی منجر می‌شود. تزلزل فرهنگی هنگامی رخ می‌دهد که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جهان اجتماعی را می‌سازند، مورد تردید قرار گیرند و ثبات و استقرار خود را در زندگی مردم از دست بدهند. نکته: ناسازگاری اغلب از سطح رفتارها و هنجارها آغاز می‌شود و به سطوح عمیق‌تر یعنی عقاید و ارزش‌ها می‌رسد.
۳	بحران هویت	تزلزل فرهنگی می‌تواند به بحران هویت منجر شود. بحران هویت فرهنگی در جایی به وجود می‌آید که جهان اجتماعی، توان حفظ و دفاع از عقاید و ارزش‌های اجتماعی خود را نداشته باشد.
۴	تحول فرهنگی	اگر در یک جهان اجتماعی بحران هویت پدید آید، راه برای دگرگونی هویت فرهنگی آن جهان اجتماعی باز می‌شود. در این صورت، تغییرات اجتماعی از محدوده تغییرات درون جهان اجتماعی فراتر می‌روند - به صورت تحولات فرهنگی درمی‌آیند - جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگری تبدیل می‌کنند. انواع تحولات فرهنگی: مثبت: اگر فرهنگی که گرفتار تزلزل، بحران و تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است. مثال: تحول جامعه جاهلی به جامعه نبوی منفی: اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. مثال: تحول جامعه نبوی به جامعه اموی



- علل تحولات فرهنگی -

- ۱ علل درونی - یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی اعضای جهان اجتماعی مربوط می‌شود.
یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در هویت فرهنگی جهان اجتماعی بازمی‌گردد.
- الف) اگر یک جهان اجتماعی با کاستی‌ها و بن‌بست‌های درونی مواجه شود - گرفتار کهنوت و مرگ می‌شود.
ب) اگر جهان اجتماعی با وجود به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌های خود، از پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی یا جسمانی یا فطری و معنوی انسان‌ها بازماند - مرگ جهان اجتماعی رخ می‌دهد.
مثال: شیوه زندگی مرتاض‌ها و راهبه‌ها، نشانگر مرگ جهان اجتماعی است.
- ج) جهان اجتماعی که متناسب با نیازهای معنوی و روحی افراد عمل نکند، به پرسش‌های آن‌ها درباره معنای مرگ و زندگی پاسخ ندهد، از این پرسش‌ها غفلت کند یا به پوچ‌انگاری برسد - نشاط زندگی را از دست می‌دهد و با انواع مختلف آسیب‌ها مانند یأس، ناامیدی و خودکشی افراد روبه‌رو می‌شود.
- نکته: کاستی و خلا معنوی، دانشمندان و متفکران را به بازاندیشی درباره بنیان‌های عقیدتی و ارزشی جهان اجتماعی فرامی‌خواند و آن‌ها را برای عبور از مرزهای هویت فرهنگی جهان اجتماعی تشویق می‌کند.

- ۲ علل بیرونی: پیامد مواجهات و ارتباطات جهان اجتماعی با جهان‌های اجتماعی دیگر است که در درس آینده، بررسی خواهد شد.

* * درس ۱۲: تحولات هویتی جهان اجتماعی (علل بیرونی) * *

* * ارتباط جهان‌های اجتماعی در چه صورتی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود؟ * *

- ارتباط و دادوستد جهان‌های اجتماعی مختلف با یکدیگر، عادی و متداول است، ولی می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد.
- این ارتباطات امری پذیرفته شده است و پرسش اساسی نه در اصل ارتباط، بلکه در چگونگی آن است.

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



شکل‌های متفاوت
روابط جهان‌های
اجتماعی با یکدیگر

- روابط در محدوده لایه‌های سطحی جهان اجتماعی (هنجارها، نمادها، شیوه‌های زندگی)،
- اگر جهان اجتماعی با حفظ عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های خود، با جهان اجتماعی دیگر دادوستد داشته باشد و در محدوده هنجارها و شیوه زندگی، عنصری را از جهان اجتماعی دیگر بگیرد و در صورت لزوم، تغییرات لازم را در آن‌ها پدید آورد — زمینه گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد.
- مثال، جهان اسلام در سده‌های نخستین رویارویی با جهان‌های اجتماعی دیگر:
- (الف) با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آن‌ها پرداخت — به همین دلیل عناصر سازگار با هویت خود را از آن‌ها گرفت و به بازسازی آن‌ها پرداخت.
- (ب) به دلیل اهمیتی که اسلام برای عقل و عقلانیت قائل است، در مواجهه با فرهنگ یونان و روم، تنها عناصر عقلی آن‌ها را پذیرفت و به تناسب هستی‌شناسی توحیدی خود، در دانش‌های مختلف آن‌ها دخل و تصرف کرد و عناصر اساطیری و مشرکانه آن‌ها را نپذیرفت.
- (ج) مسلمانان آثار فلسفی، پزشکی، ریاضی و نجوم یونان و روم را ترجمه کردند؛ ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آن‌ها را رها کردند.
- روابط در محدوده لایه‌های عمیق جهان اجتماعی (عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی)،
- اگر جهان اجتماعی در تعامل با جهان دیگر، در عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند — دادوستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن جهان سرایت می‌کند.
- در صورتی که به مرور زمان، به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند — دچار تحولات هویتی می‌شود.
- جهان اجتماعی‌ای که در مسیر تحولات هویتی، ارزش‌ها و عقاید جهان اجتماعی دیگری را قبول کند — به آن جهان ملحق می‌شود.
- مثال، جهان اسلام در رویارویی با فرهنگ‌های دیگر، زمینه تحولات هویتی آن‌ها را پدید آورد. بسیاری از فرهنگ‌ها همانند مصر و ایران در تعامل با جهان اسلام، عقاید و ارزش‌های توحیدی آن‌ها را پذیرفتند و به آن ملحق شدند.
- ممکن است یک جهان اجتماعی در مواجهه با جهان اجتماعی دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از آن، هویت جدیدی به دست آورد و بدون این‌که به جهان اجتماعی مقابل ملحق شود — دچار تحولات هویتی گردد.
- مثال، جهان غرب، طی جنگ‌های صلیبی، پس از رویارویی با فرهنگ اسلامی و پذیرش برخی لایه‌های آن، بدون این‌که به جهان اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کرد. این جهان، بار دیگر با عبور از عقاید و ارزش‌های مسیحیت قرون وسطی، به عقاید و ارزش‌های دنیوی و سکولار روی آورد و هویت جدیدی پیدا کرد.

— خودباختگی فرهنگی —

- جهان اجتماعی هنگامی به دادوستد و تعامل می‌پردازد که اعضای آن، به طور خلاق و فعال براساس نیازها، مشکلات و مسائل خود، با جهان اجتماعی دیگر رویارو شوند.
- اگر اعضای جهان اجتماعی میبوهت و مقهور جهان اجتماعی دیگر شوند — در نتیجه — حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهند — دچار خودباختگی فرهنگی می‌شوند.
- اعضای آن، عناصر فرهنگی دیگر را بدون تحقیق و گزینش و به صورت تقلیدی فرامی‌گیرند.
- به روش تقلیدی عمل می‌کند.
- ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد. — بنابراین — نه می‌تواند فرهنگ گذشته خود را تداوم بخشد یا گسترش دهد و نه می‌تواند آن را رها کند و از آن بگذرد و به جهان اجتماعی دیگری که میبوهت و مقهور آن شده است، ملحق شود.
- نکته، بسیاری از جوامع غیرغربی، در رویارویی با جهان غرب، به دلیل این‌که مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی برتر غرب گشتند، به خودباختگی فرهنگی گرفتار شدند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را غرب‌زدگی می‌نامند.

از خودبیگانگی فرهنگی چیست؟

- معنای از خودبیگانگی فرهنگی، اگر جهان اجتماعی فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند و در مواجهه با جهان دیگر، هویت خود را از یاد ببرد، به این معنای از خودبیگانگی فرهنگی می‌شود.
- از خودبیگانگی فطری (حقیقی)، اگر عقاید و ارزش‌های یک جهان اجتماعی، مانع از آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جهان دچار این معنای از خودبیگانگی می‌شود.
- مانع از آن می‌شوند که انسان به شناخت و تفسیری صحیح از عالم و آدم برسند.
- در این جهان، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند.
- تصویری که در این جهان‌ها از انسان ارائه می‌دهند، سربای از حقیقت است؛ به همین دلیل: (۱) فطرت آدمی در آن به آرامش نمی‌رسد، فطرت انسان‌ها شکل نگرفته‌اند (۲) انسان به اضطراب و تشویش گرفتار می‌شود، (۳) در نهایت سر به عصیان و اعتراض برمی‌دارد.
- جهان اجتماعی مشرکانه و اساطیری و جهان اجتماعی سکولار و دنیوی، از این‌گونه‌اند.
- از نظر قرآن، انسان هنگامی به شناخت حقیقت خود و جهان می‌رسد که با نگاه توحیدی به خود و جهان بنگرد. قرآن، فراموش کردن خداوند را سبب فراموشی انسان از خود می‌داند.
- درهای آسمان و زمین بر روی انسان گشوده می‌شود.
- انسان با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌شود.
- خود و جهان را آیات و نشانه‌های خداوند می‌یابد.



پایه دوازدهم

درس ۴: کنش اجتماعی

خشت بنای جامعه -

● کنش اجتماعی، خشت بنای جامعه است و تمامی پدیده‌های خرد و کلان با کنش‌های اجتماعی پدید می‌آیند. ساختارهای اجتماعی، هر چه قدر هم جا افتاده و با سابقه باشند، با کنش‌های افراد به وجود آمده و برقرارند.

● هر جامعه‌ای نظم‌ی دارد؛ این نظم تا حد زیادی حاکم بر افراد است و به اقدامات آن‌ها شکل می‌دهد. زندگی اجتماعی انسان و نظم، هم‌زاد یکدیگرند اما انسان‌ها صرفاً مجریان نظم نیستند، بلکه قادرند با توجه به آرمان‌ها و ارزش‌های خود، نظم اجتماعی را تغییر دهند و از مشکلات اجتماعی ساختارهای اجتماعی بکاهند.

↓ مشکلات، بیرون از دایره نفوذ ما نیستند و همه اعضای جامعه با کنش‌های خود، در حفظ وضع موجود یا تغییر آن اثر می‌گذارند.
 به هر میزان که آرمان‌ها و ارزش‌های انسان‌ها و الایتر و انگیزه افراد برای تحقق‌بخشیدن به آن‌ها قوی‌تر باشد، تغییر مهم‌تری ایجاد خواهد شد.
 مثال، جنگ‌های نامنظم، مثالی برای فراتر رفتن از نظم موجود است.
 مبتنی بر آگاهی فرهنگی و جغرافیایی سربازان محلی یک منطقه است که قادرند در موقعیت بومی خود، با امکانات محدود، حتی در برابر تهاجم یک ارتش بزرگ نیز مقاومت کنند.

ویژگی جنگ‌های نامنظم
 سربازان جنگ‌های نامنظم معمولاً نقشه‌هایی از پیش برنامه‌ریزی شده را اجرا نمی‌کنند.
 متناسب با موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی خود عمل می‌کنند.
 به سبب انگیزه‌های اخلاقی و آرمان‌های معنوی‌شان، توانی فراتر از نظم موجود به دست می‌آورند.
 افراد در آن، از نظم موجود پیروی نمی‌کنند؛ بلکه از آن فراتر می‌روند و با ارزش‌ها و معانی پیوند می‌خورند.
 اصطلاح جنگ‌های نامنظم را اولین بار شهید چمران به کار برد.
 مقاومت مردم مسلمان آمرلی در برابر داعش، نمونه‌ای بارز از جنگ‌های نامنظم است.

پیامدهای نادیده‌گرفتن کنش اجتماعی

● انسان‌ها برخلاف پدیده‌های طبیعی، آگاهانه عمل می‌کنند و عملشان معنادار است. به همین دلیل کنش انسان را نمی‌توان فقط با روش تجربی تحلیل کرد، زیرا اگر چه حس و تجربه از ابزارهای مهم شناخت علمی هستند، اما روش تجربی توان فهم معانی کنش انسان‌ها را ندارد.
 ● رویکرد تبیینی بر آن چه مشاهده می‌شود، تمرکز دارد و اغلب معنای کنش و آن چه درون انسان می‌گذرد را نادیده می‌گیرد. نادیده‌گرفتن کنش، نادیده‌گرفتن ویژگی‌های آن است و سه پیامد به همراه دارد.

رکود اراده‌ها -

● کنش اجتماعی، ارادی است. اما جامعه‌شناسی تبیینی با تأکید بیش از اندازه بر نظم و ساختارهای اجتماعی و یکسان دانستن نظم اجتماعی و نظم طبیعی، اراده و خلاقیت انسان‌ها را نادیده می‌گیرد.
 به تدریج سبب می‌شود افراد بدون آن که بدانند این نظم برای تحقق آرمان‌ها و ارزش‌هایی است، صرفاً آن را رعایت کنند.
 تأکید افراطی بر ساختارهای اجتماعی موجب سرکوب روحیه خلاق انسان‌ها در بسیاری از عرصه‌ها مانند هنر، ارتباط و اندیشه می‌شود.
 ● ماکس وبر از سلطه چنین نظمی که گویا هدفی جدا از انسان‌ها و نیازهای واقعی آن‌ها دارد، به قفس آهنین تعبیر می‌کند.

نگته

انقلاب‌های اجتماعی، اندیشه‌های جدید، شاهکارهای هنری و اختراعات بزرگ هنگامی پدید می‌آیند که انسان از نظم موجود گامی فراتر می‌گذارد.

سقوط ارزش‌ها -

● کنش اجتماعی، هدف‌دار است. در جامعه‌شناسی تبیینی، ارزش‌ها و اهداف غیر قابل مشاهده، قابل فهم نیست. به عبارت دیگر مثلاً ارزش بودن مهربانی و فداکاری و ضداً ارزش بودن کینه‌توزی و خودخواهی قابل مشاهده و فهم نیست؛ زیرا با استفاده از روش‌های تجربی نمی‌توان گفت که مهربانی یک فضیلت اخلاقی و کینه‌توزی یک ردیلت اخلاقی است.

↓ به سبب این که بسیاری از کنش‌های عاطفی، هنری، اخلاقی و مذهبی با رویکرد تبیینی قابل توضیح نیستند، کسانی که فقط روش‌های تجربی را معتبر می‌دانند، با انکار ارزش‌های عاطفی، اخلاقی، مذهبی و ... دچار اخلاق‌گریزی می‌شوند.
 بزرگ‌ترین کشتار جهان در جنگ‌های جهانی و فاجعه هیروشیما و ناگازاکی
 فراگیرتر شدن و عمیق‌تر شدن فجایع انسانی و زیست‌محیطی در جهان غرب

افول معانی -

● کنش اجتماعی، آگاهانه و معنادار است. نادیده‌گرفتن معنای کنش، سبب شده است که بیشتر مطالعات تبیینی به توصیف خصوصیات و رفتارهای قابل مشاهده ما محدود شوند.



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

جامعه‌شناسی

مثال برای فهم انگیزهٔ جوانان و نوجوانان در علاقه به رایانه و بازی‌های رایانه‌ای، نمی‌توان از روش‌های تجربی استفاده کرد، بلکه باید **همدانه** با آنان همراه شد تا مسائل زندگی و آرزوهای آنان را فهمید و آنان را یاری داد.

به معنای تأیید کنشگران نیست.

همراهی همدانه به معنای نگاه‌کردن به مسائل کنشگران از منظر خودشان و تلاش برای فهم آن‌هاست.

روی آوردن به جامعه‌شناسی تفسیری

تأکید بیش از اندازهٔ رویکرد تبیینی و ساختارهای اجتماعی به حذف اراده و خلاقیت، ارزش و اخلاق، آگاهی و معنا از زندگی اجتماعی می‌انجامد و شور زندگی را از انسان می‌گیرد.

برای جلوگیری از چنین پیامدهایی، کنش اجتماعی مورد توجه برخی جامعه‌شناسان قرار گرفت. به این گروه از جامعه‌شناسان، نظریه‌پردازان کنش اجتماعی می‌گویند. آگاهی و معناداری را مهم‌ترین ویژگی کنش اجتماعی می‌دانند. زندگی اجتماعی انسان را با تأکید بر آگاهی و معنا، مطالعه می‌کنند. نظریه‌پردازان کنش اجتماعی - ویژگی‌های دیگر کنش، یعنی اراده و ارزش را مهم می‌دانند ولی آن‌ها را برخاسته از آگاهی و تابع آن می‌دانند. نتیجه، همین نگاه، مسیر را برای عبور جامعه‌شناسی تبیینی و روی آوردن به جامعه‌شناسی تفسیری هموار ساخت.

روان‌شناسی

درس ۳: احساس، توجه، ادراک

مقدمه -

محرومیت حسی:

محرومیت حسی به این معناست که فرد در شرایطی قرار بگیرد که هیچ‌یک از گیرنده‌های حسی به وسیلهٔ محرک‌های بیرونی تحریک نشود. این آزمایش آزاددهنده است و نشان می‌دهد موجودات زنده به خصوص انسان نیاز به احساس دارند.

نام	تعریف
محرک	هر چیزی است که گیرنده‌های حسی را تحریک می‌کند.
احساس	تحریک اندام‌های حسی موجب احساس می‌شود.
توجه	انتخاب محرک خاص از بین محرک‌های بی‌شمار پیرامون، توجه نام دارد.
ادراک	تعبیر و تفسیرکردن، معنی و مفهوم و سازمان‌دادن به محرک‌های انتخاب‌شده ادراک نام دارد.

دریافت چندحسی:

اگر یک موضوع را بتوان با چند حس دریافت کرد، یادگیری راحت‌تر است.

حواس مختلف -

تحریک هر یک از گیرنده‌های حسی تابع شدت محرک است.

توجه -

تعریف	
انتخاب یک محرک از بین محرک‌های حسی مختلف	توجه
توجه مداوم و پایدار	تمرکز

عوامل مؤثر بر سازماندهی توجه

- هر چه آگاهی بیشتر باشد، توجه ارادی‌تر است. (۲) انجام هم‌زمان چند تکلیف به کاهش توجه منجر می‌شود. (۳) انجام طولانی یک فعالیت تمرکز را کاهش می‌دهد.
- استفاده از حواس مختلف برای یک فعالیت توجه را بیشتر می‌کند. (۵) انجام دادن تکالیف هم‌زمان و شبیه هم، توجه را کاهش می‌دهد.

منابع توجه -

- تحریک حواس به وسیلهٔ محرک‌های بیرونی (۲) اطلاعات موجود در حافظه (۳) سبک پردازش افراد و انتظارات آن‌ها

به همهٔ آنچه توجه داریم، آگاهی کامل نداریم -

مثال پدیدهٔ آماده‌سازی = شناخت محرک معینی تحت تأثیر ارائهٔ پیشین همان محرک یا محرک شبیه به آن قرار می‌گیرد. ارائهٔ پیشین محرک دریافت بعدی را آسان می‌کند.



چگونه می‌توانیم تمرکز ایجاد کنیم -

۱. آفت تمرکز «خوگیری» است.
۲. تعریف خوگیری: عادت کردن به محرک خاص به نحوی که به تدریج کم‌تر و کم‌تر به آن محرک می‌پردازیم.
موانع تمرکز (عوامل ایجاد خوگیری)
(۱) یکنواختی و ثبات نسبی: وقتی موضوع همیشه به صورت یکنواخت ارائه شود، فرد به آن عادت می‌کند و ابعاد جدیدش را در نمی‌یابد. (۲) آشنایی نسبی با محرک مورد توجه: اگر محرک به دفعات متعدد ارائه شود، خوگیری شکل می‌گیرد.
عوامل ایجاد تمرکز (موانع خوگیری)
(۱) تغییرات درونی محرک‌ها: اگر موضوع مورد توجه از نظر معنایی شرایط متنوع و جذابی داشته باشد. (۲) درگیری و انگیزندگی ذهنی: تحت تأثیر عوامل فیزیولوژیکی و روان‌شناختی است.

کارکردهای توجه -

۱. ردیابی درست علامت، جدول ۲-۳ موقعیت‌های ردیابی علامت صفحه ۷۷ کتاب درسی آورده شود.
۲. گوش‌به‌زنگی، توانایی فرد برای یافتن محرک هدف در یک دوره زمانی طولانی.
۳. جست‌وجو، تابع عوامل انحرافی و ویژگی منحصربه‌فرد هدف

ساماندهی توجه -

۱. آگاهی بیشتر ← توجه ارادی‌تر
۲. انجام فعالیت در ساعت‌های طولانی ← عدم توجه و ایجاد تمرکز
۳. استفاده از حواس مختلف برای انجام یک تکلیف ← ایجاد توجه متمرکزتر
۴. انجام دادن چند تکلیف هم‌زمان ← کاهش کارایی توجه

ادراک: بازنشانی محرک‌های موردتوجه -

گشتالت -

- روش جزءنگر درک جامعی ایجاد نمی‌کند.
- کل بیشتر از مجموع افراد است.
- اصول روان‌شناسی گشتالت:
 - ← اصل شکل و زمینه
 - ← مجاورت
 - ← مشابهت
 - ← استمرار
 - ← تکمیل

عربی

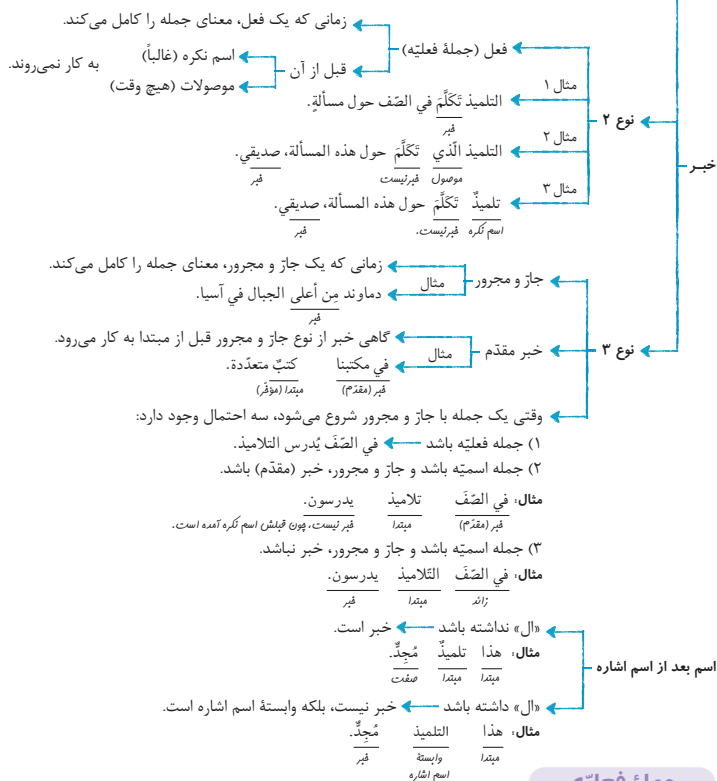
پایه دهم

درس ۵

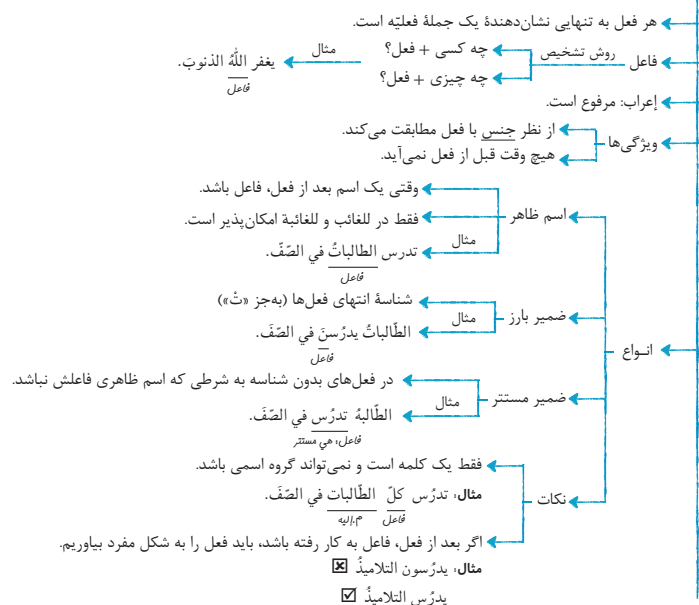
- انواع جمله
- ← اسمیه: مبتدا + خبر
 - ← فعلیه: فعل معلوم + فاعل + (مفعول)
 - ← مجهولیه: فعل مجهول + نائب فاعل

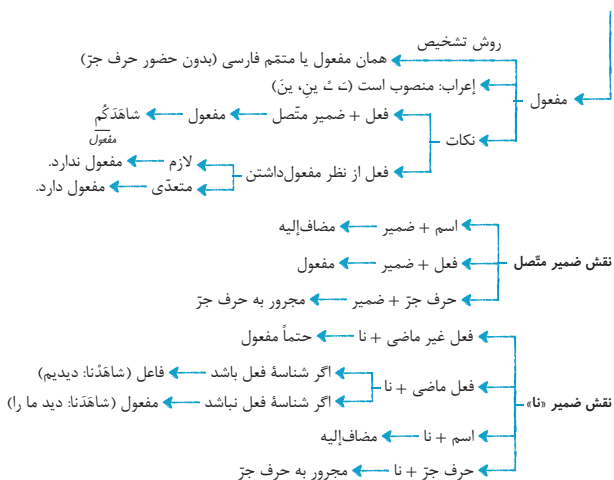
جمله اسمیه -

- مبتدا:
 - ← اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله به کار می‌رود و خبری در مورد آن داده می‌شود.
 - ← مرفوع است (م، ت، ا، ن، و)
- ممكن است بین مبتدا و خبر فاصله بیفتد و لزوماً پشت سرهم نیستند.
- نوع ۱:
 - ← اسم (مفرد) ← زمانی که یک اسم، معنای جمله را کامل می‌کند.
 - ← مرفوع است.
 - ← فقط یک کلمه است و نمی‌تواند گروه اسمی باشد.
 - مثال: المَحَاوَلَةُ أَهْمُ الْأُمُورِ لِلنَّجَاحِ
فِر مَإِیَهِ
- خبر:
 - ← اسمیه: مبتدا + خبر
 - ← فعلیه: فعل معلوم + فاعل + (مفعول)
 - ← مجهولیه: فعل مجهول + نائب فاعل



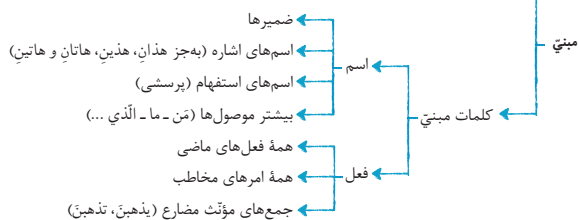
- جمله فعلیه -



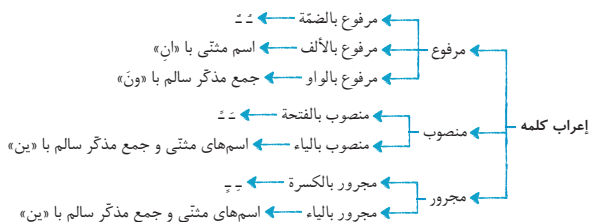
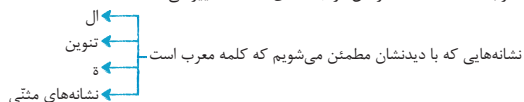


درس ۶

علامت آخرشان همیشه ثابت است و در جمله‌های مختلف تغییر نمی‌کند.



مُعرب ← علامت آخرشان در جمله‌های مختلف تغییر می‌کند.



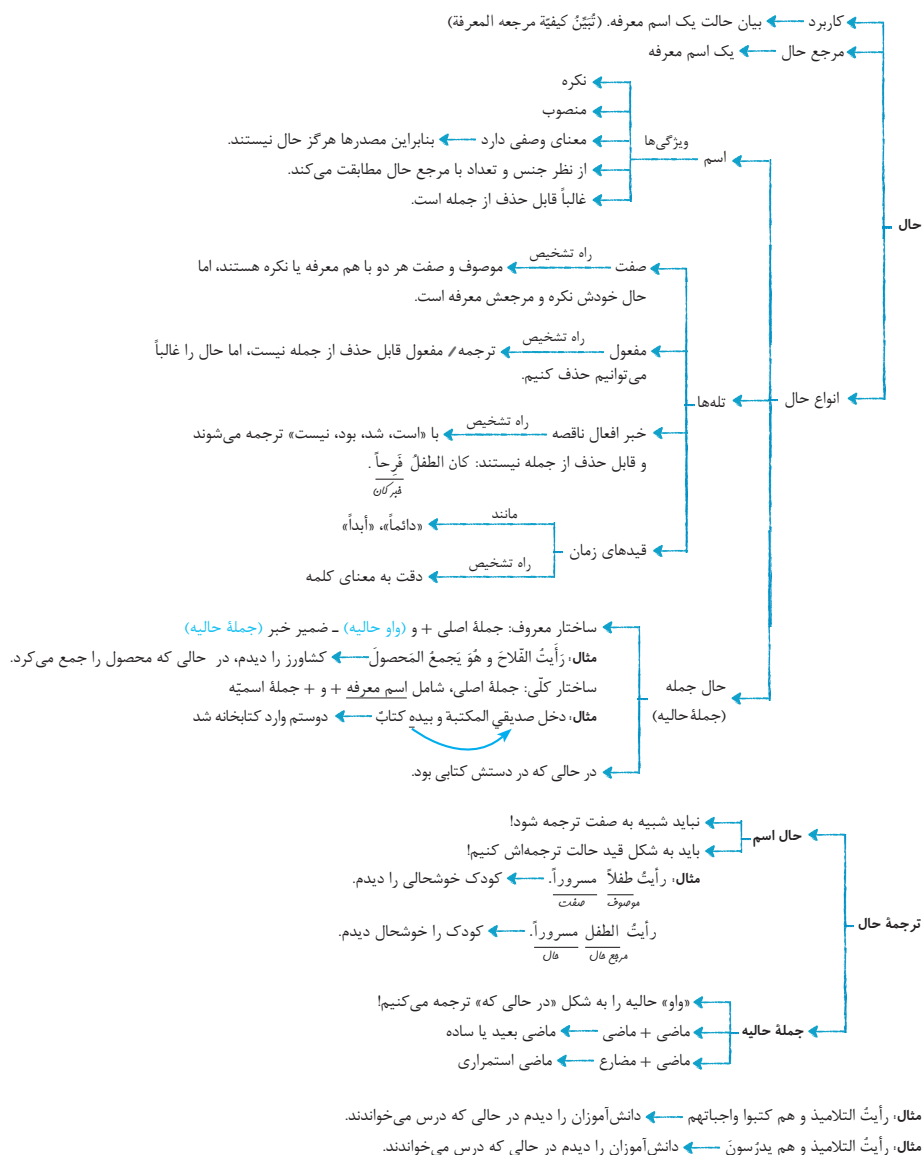
إعراب نقش‌های معروف -





پایه دوازدهم

درس ۲





مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

تاریخ

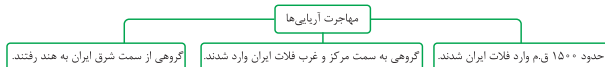
تاریخ

پایه دهم

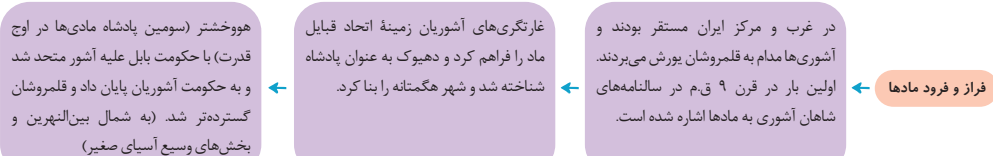
درس ۹: از ورود آریایی‌ها تا پایان هخامنشیان

اقوام آریایی از مهاجرت تا تشکیل حکومت در ایران

واژه ایران ← از واژه آریایی به معنی شریف و آزاده گرفته شده است. ← بنابراین ایران به معنای سرزمین آریاییان است. آریایی‌ها، گروهی از اقوام هند و اروپایی که از زمان‌های کهن در فلات ایران و شبه‌قاره هند مستقر شدند.



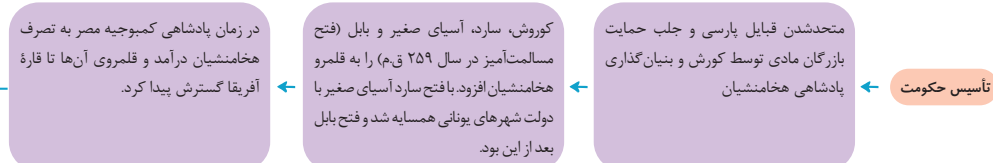
– ماد، نخستین حکومت آریایی ایران –



آستیاگ آخرین فرمانروای ماد بود که در نتیجه نارضایتی مردم و بزرگان و همدستی ایشان با کوروش هخامنشی، سقوط کرد.

– هخامنشیان، بزرگ‌ترین حکومت باستان –

● سلسله هخامنشی، منسوب به هخامنش، جد کوروش کبیر و رئیس قبیله پاسارگاد از قبایل مهم قوم پارسی است.



داریوش بزرگ با اقداماتش موجب تثبیت حکومت شد. وی قسمت‌هایی از غرب و شمال غرب هند را به قلمرو افزود و در مقابل قبایل صحراگرد سکایی لشکرکشی کرد.

دلایل اهمیت داریوش: تأسیس سپاه جاویدان / احداث جاده شاهی / برپایی کاخ‌ها و ... / احداث نیروی دریایی و ...

در دوران داریوش سوم اسکندر به ایران حمله کرد و در سه نبرد گرانیکوس، ایسوس و گوگمل سپاه هخامنشی را شکست داد. داریوش سوم پس از گریختن در سال ۳۳۰ ق.م به قتل رسید.

اردشیر سوم در ابتدا به قتل عام افراد خاندان سلطنتی پرداخت / مصر دوباره ضمیمه قلمرو هخامنشی شد.

خاندان هخامنشی از زمان پادشاهی اردشیر دوم دچار تفرقه درونی شد / مصر در این دوره از قلمرو هخامنشی جدا شد.

احتطاط و فروپاشی

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



درگیری با یونان از اواخر پادشاهی داریوش بزرگ

- ناخشنودی یونانی‌ها از تسلط ایران بر آسیای صغیر و تحریک مردمان شهر میلئوس (مَلَطِیَه) به شورش علیه هخامنشیان
- تنبیه یونانیان توسط داریوش و جنگ ماراتن
- تصرف آتن توسط خشایارشا جانشین داریوش بزرگ
- ناکامی در نبرد تنگه سالامیس

میراث هخامنشیان

هخامنشیان ایران را به بزرگ‌ترین و نخستین حکومت جهانی تبدیل کردند و به واسطهٔ تدبیر شاهان این سلسله، ایرانیان به تأثیرگذارترین مردم جهان متمدن آن روزگار تبدیل شدند.

♦♦ درس ۱۰: اشکانیان و ساسانیان ♦♦

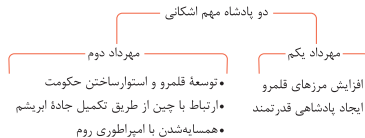
– سلوکیان –

بعد از مرگ اسکندر، یکی از سرداران او به نام سلوکوس بر بین‌النهرین، بخش‌هایی از آسیای صغیر، سوریه و فلات ایران حاکم شد و حکومت سلوکیان را تشکیل داد.

- خود را نیکاتور (فاتح) نامید
- ابتدا سلوکیه در ساحل غربی رود دجله را پایتخت خود قرار داد.
- بعدها پایتخت خود را به شهر انطاکیه در شمال سوریه منتقل کرد.

– اشکانیان –

ارشک (بنیان‌گذار اشکانیان) از قبیلهٔ پَرنی یا آَرنی در شرق ایران بود که بر فرمانروای سلوکی در حوالی قوچان شورید و پارت و گرگان را از دست سلوکیان خارج کرد. (۲۴۸ ق.م) پایتخت‌های اشکانیان: شهر نسا، شهر صدروزاه (هکاتم پولس) و شهر تیسفون



اشکانیان و روم

- دفاع اشکانیان از قلمروهای ایران در برابر لشکرکشی‌های روم
- نبود حران: یکی از مهم‌ترین جنگ‌ها در زمان ارد دوم اتفاق افتاد که کراسوس از سردار ایرانی، سورنا شکست خورد و کشته شد.

سقوط اشکانیان

نظام اشکانیان ← ملوک طوایفی ← نافرمانی‌های مکرر اردوان چهارم ← آخرین پادشاه اشکانی ← موفق در برابر نیروهای رومی و گرفتن غرامت از آن‌ها، اما موفق در مشکلات داخلی ← شکست از اردشیر بابکان و پایان کار اشکانیان

– ساسانیان –

ساسانیان می‌خواستند به جای حکومت ملوک‌الطوایفی، حکومتی متمرکز و قدرتمند به وجود آورند ← حاکمان محلی با حکومت جدید مخالفت کردند ← اردشیر بسیاری از مخالفان را با جنگ، سر جای خود نشاند و برخی را با نامه‌نگاری و ارائه دلیل با خود همراه ساخت.



- ضعف قدرت سیاسی
- شورش‌های مکرر فرماندهان نظامی
- نارضایتی مردم از حکومت
- کاهش توان اقتصادی ساسانیان به سبب طغیان رودهای دجله و فرات
- پیام جذاب دین اسلام
- انگیزه و روحیهٔ قوی اعراب مسلمان



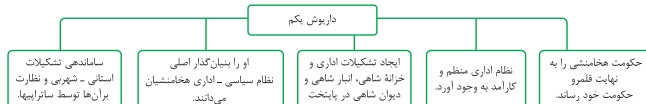
♦♦ درس ۱۱: آیین کشورداری ♦♦

– نظام سیاسی و اداری –

ارائه تصویری روشن از تشکیلات اداری دوران ماد به دلیل کمبود اسناد و شواهد دشوار است.

هخامنشیان

پادشاهان هخامنشی به‌ویژه داریوش یکم ادعا می‌کردند که خواست اهورامزدا به مقام پادشاهی دست یافته‌اند.



اشکانیان

پادشاه بالاترین مقام سیاسی نظامی بود؛ درست مثل دوران هخامنشیان

در این دوره خاندان‌های کارن یاقارن در نهاوند، سورن در سیستان و مه‌ران در ری حضور داشتند.

شیوه حکومت اشکانیان ملوک‌الطوایفی بود؛ شیوه‌ای غیر متمرکز که اداره برخی از سرزمین‌ها و مناطق کشور به صورت موروثی در اختیار پادشاهان کوچک و حاکمان محلی بود.

ساسانیان

● در این دوره نیز پادشاه در رأس قدرت سیاسی بود.

● به منظور ایجاد تمرکز و افزایش دامنه نظارت و تسلط خود؛ سپاهی دائمی و نیرومند تشکیل داد / تشکیلات اداری را منسجم و منظم ساختند.

نکته

بزرگ فرماندار (وزیر بزرگ) مربوط به دوره ساسانی است و به کسی گفته می‌شد که در رأس تشکیلات اداری دوره ساسانی قرار داشت. او تحت نظارت مستقیم پادشاه و مجری فرامین او بود و به عنوان جانشین او کشور را اداره می‌کرد و فرماندهی سپاه نیز بود.

نکته

دبیران نقش ممتاز و بسیار مهمی در تشکیلات اداری این دوره داشتند و در مراکزی به نام دبیرستان آموزش می‌دیدند.

– قضاوت و دادرسی –

- مهر یا میترا، ایزد پیمان و قانون و پشتیبان نظم اجتماعی بود.
- قوانین از عرف و عادات و اوستا سرچشمه می‌گرفت.
- قضاوت به دو شکل رسمی و غیررسمی.
- قوانین محدودکننده پادشاهان در دوران هخامنشی مثل عدم اعدام افراد توسط شاه به سبب یکبار ارتکاب جرم
- مجموعه قوانین و محاکمات دوره ساسانی در کتاب مادیان هزار دادستان
- قضاوت توسط روحانیون زرتشتی در دوره ساسانی

– سپاه و جنگ‌افزار –

برای درک بهتر این بخش به جدول زیر توجه کنید:

وضعیت سپاه و جنگ‌افزار در ایران عهد باستان	
● سپاه ← کمان‌داران، نیزه‌داران و سوارکاران ● هووخشتر در کنار سپاه خود دسته‌های پشتیبانی، تدارکات و یگان‌های بارکش قرار داد.	ماد
● تأسیس سپاه جاویدان توسط داریوش ● تأسیس نیروی دریایی توسط داریوش در خلیج فارس، دریای مدیترانه و سرخ ● فرماندهی ناوهای جنگی برعهده پارسیان و مادی‌ها بود. ● اهمیت سواره نظام که سلاح اصلی آن نیزه بود.	هخامنشی
● مهم‌ترین جنگ‌افزارها ← نیز و کمان ● پیدایش سواره‌نظام سنگین اسلحه ● دلیل توانمندی سواره نظام اشکانی: پیشینه صحرادروردی	اشکانی
● سواران ← سواره نظام سنگین اسلحه ● استفاده از نیروی دریایی توسط اردشیر و تسلط بر یمن، باب‌المندب و خلیج عدن ● وجود ارتشتارستان	ساسانی

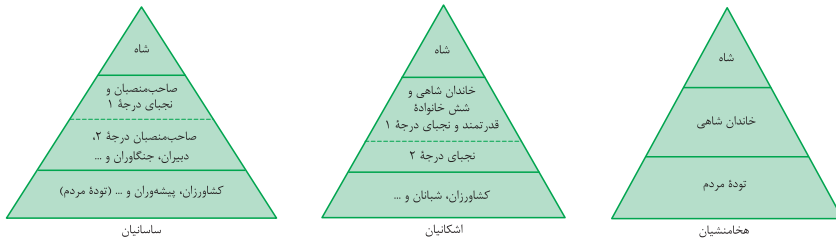
مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



درس ۱۲: جامعه و خانواده

گروه‌ها و طبقات اجتماعی -

در زمان آریاییان، تقسیم‌بندی اجتماعی سه‌گانه جامعه آریایی برپایه شغل و پیشه افراد عبارت بود از: روحانیان / جنگجویان / کشاورزان و شبانان در سه نمودار زیر با طبقات اجتماعی در دوره هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان آشنا می‌شوید



نکته

از مقایسه سه نمودار بالا به این نکته پی می‌بریم که به مرور زمان، طبقات اجتماعی پیچیده‌تر و گسترده‌تر می‌شوند.

نکته

سرآغاز نابرابری‌های اجتماعی ← دوره حکومت ماد
افزایش نابرابری‌های اجتماعی ← دوره حکومت هخامنشیان

خانواده -

خانواده هسته اصلی جامعه آریایی نخستین به شمار می‌رفت که در آغاز بسیار گسترده و تا عهد هخامنشی تداوم یافت، اما با گسترش شهرها مخصوصاً در دوره ساسانی و مهاجرت بخشی از خانواده‌های روستایی به شهر کوچک و محدود شد.

زنان -

بیشتر اطلاعات مربوط به زنان و موقعیت و حقوق آنان در ایران باستان، درباره زنان طبقه اشراف و مقام‌های حکومتی است.

موقعیت زنان	
عهد ساسانی	عهد هخامنشی
● زن در این دوره حق مالکیت و فعالیت اقتصادی داشت. ● می‌توانست درآمد کسب کند و در اموال همسر خود شریک باشد. ● می‌توانست در دادگاه‌ها برای دریافت حقوق خود اقامه دعوا کند. ● نخستین شاهان زن در ایران: همسر یزدگرد دوم و دختران خسرو پرویز (پوران و آذر می‌دخت)	● لوح‌های گلی کشف شده از تخت جمشید بیانگر آن است که در زمان هخامنشیان زن و مرد در کنار هم و با حقوق برابر کار می‌کردند. ● تعدادی از کارکنان کارگاه‌های شاهی و حتی مدیریت برخی از آن‌ها را زنان به عهده داشتند و مردان زیردست آنان کار می‌کردند.

چشن و سوگواری -

چشن‌های ایران باستان، پیوند تنگاتنگی با باورهای دینی و زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم ایران به‌ویژه فعالیت‌های کشاورزی داشت. گاهنبار، نوروز، مهرگان و سده از جمله مهم‌ترین چشن‌های ایران باستان گاهنبارها شش چشن به مناسبت خلق‌شدن عناصر اصلی خلقت بودند که در شش وقت معین از سال برگزار می‌شدند.

پایه دوازدهم

درس ۴: اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عصر قاجار

اوضاع اجتماعی -

شیوه‌های زندگی در عصر قاجار عبارت بودند از: (۱) روستاییان (۲) ایلات و عشایر (۳) شهرنشینان
 (۱) روستاییان: افرادی که زمین نداشتند و در اراضی مالکان کار می‌کردند / تحت ستم مالیاتی بودند.
 (۲) ایلات و عشایر: در رأس آنان سران ایل بودند / یکی از منابع تأمین نیروی نظامی بودند.
 (۳) شهرنشینان شامل مقام‌های حکومتی، علما / روحانیون، و ... می‌شد. شهرنشینان به محله‌های خود حس افتخار و تعلق داشتند.



– اوضاع اقتصادی –

شیوه‌های تولید در عصر قاجار:

- (۱) سهم‌بری دهقانی
- (۲) خرده کالایی دولتی و خصوصی
- (۳) شبانکاری یا ایلانی

ویژگی‌های کشاورزی ایران در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰

- ۱- کشاورزی معیشتی نبود.
- ۲- جنگ داخلی آمریکا و افزایش تولید پنبه از ایران به روسیه.
- ۳- افزایش صادرات پنبه از طریق اقدامات بازرگانان ارمنی و روسی
- ۴- زیرکشت پنبه بردن زمین‌های وسیعی از ایران
- ۵ - چندبرابری تولیداتی مثل ابریشم، تنباکو، تریاک، پنبه و برنج

نکته

مراکز مهم قالی‌بافی ایران در دوره قاجار ← تبریز، اراک، کاشان، همدان و ...

صنایع فرش

- جلب توجه تاجران اروپایی و آمریکایی به فرش دستباف ایرانی
- رشد تولید فرش به دلایل:
- (۱) نقش‌های زیبا و متنوع و ظرافت بافندگان ایرانی
- (۲) تقاضای بازار جهانی
- (۳) ارزانی نیروی کار
- رونق صادرات فرش به عنوان کالای جایگزین طلا و نقره

– وضعیت صنایع و واردات خارجی –

- بحران‌های نظامی و سیاسی پس از سقوط صفویه باعث رکود اقتصادی شد.
- رشد صنایع دستی در آغاز قاجار
- تولید انواع اسلحه سرد و گرم و کالاهای با کیفیت
- پایان جنگ در اروپا و سرآزیر شدن کالاهای اروپایی و نابودی مراکز صنایع دستی مثل کاشان، شیراز، اصفهان، کرمان و یزد
- صدمه محصولات انگلیسی به صنایع ایران

– اوضاع علمی و فرهنگی –

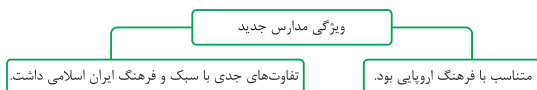
نظام تعلیم و تربیت در دوره قاجار سنتی بود و سوادآموزی مقدماتی از طریق مکتب‌خانه، معلمان خصوصی و معلمان سرخانه صورت می‌گرفت.

از مراکز علمی و آموزشی مهم و بزرگ در پایتخت:

- (۱) مدرسه مروی
- (۲) مدرسه سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری کنونی)

نکته

نخستین مدرسه‌های جدید در ایران توسط مسیونرهای اروپایی و آمریکایی ساخته شد.



دارالفنون با همت امیرکبیر و با هدف آموزش علوم و فنون جدید به دانشجویان ایرانی در داخل کشور ساخته شد تا جایگزین اعزام دانشجو به خارج از کشور باشد.

مدارس رشدیه میرزا حسن رشدیه از شخصیت‌های فرهنگی عصر قاجار بود. / برای تأسیس مدرسه‌های جدید ابتدایی تلاش کرد. / هدف رشدیه، آموزش عمومی بود. (یعنی این که آموزش برای فرزندان همه طبقات جامعه فراهم باشد.)

مدرسه دوشیزکان توسط بی‌بی خانم استرآبادی در تهران برای تحصیل دختران تأسیس شد.

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



– هنر و معماری –

وحدت سیاسی، استقرار امنیت و ارتباط با غرب

تعمیر	● ریشه در آیین‌های باستانی داشت. ● در عصر صفوی برای بزرگداشت حماسهٔ کربلا رواج یافت. ● در عصر ناصرالدین‌شاه گسترش پیدا کرد.
تئاتر	● میرزا علی‌اکبرخان مزین‌الدوله (نقاش‌باشی) به دستور ناصرالدین‌شاه در محل فعلی دارالفنون یک تالار نمایش ساخت که بیشتر مکانی خصوصی بود که شاه و برخی درباریان به تماشای نمایش‌ها می‌پرداختند. ● به همت دانشجویان ایرانی اعزامی به اروپا، در ایران گسترش یافت.
معماری	● بناهای کارت پستالی: ✓ به تقلید از اروپا ✓ تلفیق عناصر معماری ایرانی و اروپایی ✓ مثال: کاخ شمسی‌العماره ● از جمله بناهایی که قواعد و اصول معماری سنتی در آن حفظ شده بود ← خانهٔ بروجردی‌ها در کاشان
نقاشی	● اقول نگارگری با سقوط صفویان ● تحول اساسی به دنبال حمایت پادشاهان قاجار و استقرار امنیت ● فتحعلی‌شاه هنرمندان را در تهران گرد هم آورد و آنان را به کشیدن پرده‌های بزرگ برای نصب در کاخ‌ها تشویق کرد. ● سنت نگارگری در دورهٔ ناصرالدین‌شاه تحت تأثیر نقاشی مدرن قرار گرفت و نقاشان بزرگی مثل کمال‌الملک پا به عرصه نهادند.
نمایش کمدی	● نمایش روحوضی و بقال‌بازی ● طنز و مضامین جدی و سیاسی و انتقادهای اجتماعی با استفاده از نمایش‌های کمدی

جغرافیا

پایه دهم

درس ۶: منابع آب ایران

- ایران کشوری کم‌آب است و آب موجود آن از طریق ریزش‌های جوی تأمین می‌شود.

فصل سرد: به صورت جریان آب رودها از طریق ریزش برف و باران

تأمین آب موجود در کشور

فصل گرم: به صورت چشمه، چاه و قنات از طریق آب‌های فرورفته در زمین

نکته

قنات: در مناطق کم‌آب و به دلیل خشک‌بودن زمین، آن را حفر می‌کنند تا از طریق آب‌های زیرزمینی، به آب دسترسی داشته باشند. قدیمی‌ترین قنات در قصبهٔ گناباد قرار دارد.

– انواع کانون‌های آبگیر –

- ۱ دائمی: بارندگی در حداقل هشت ماه از سال
- ۲ فصلی: بارش در فصل سرد و ذخیرهٔ برف تا ابتدای ماه‌های گرم
- ۳ اتفاقی: بارش‌های کوتاه، اتفاقی و موقتی
- ۴ کانون آبگیر: مکان‌هایی در مناطق مرتفع کوهستانی که سرچشمهٔ رودهای مختلف‌اند.

محدوددای که با توجه به شکل زمین، شیب و ناهمواری، آب‌های جاری را به سمت پایین‌ترین نقطهٔ آن هدایت کند.

حوضهٔ آبریز

انواع حوضه‌های آبریز کشور

خارجی: مثل دریای خزر

داخلی: مثل دریاچهٔ ارومیه



– دریای خزر و خلیج فارس و چند مورد مهم –

در جدول زیر با خصوصیات مهم این دو (دریای خزر و خلیج فارس) آشنا می‌شوید.

دریای خزر	● بزرگ‌ترین دریاچه جهان
	● از بقایای دریای تتیس که ۶۰۰ میلیون سال قبل از آن جدا شد.
	● علت داشتن نام دریا: وسعت زیاد
	● نام‌های دیگر: مازندران / گرگان / کاسپین / طبرستان / قزوین / هیرکانی / دریای دیلم
	● رودهای واردشده به آن: رود ولگا - اورال - از شمال / سفیدرود - هراز - از جنوب / اترک - گرگان - از جنوب شرق / کورا - ارس - از جنوب غرب
خلیج فارس	● دلایل اهمیت: تجارت دریایی / بهره‌برداری از منابع نفت و گاز / گردشگری / صید ماهی و ...
	● نام دیگرش دریای پارس است.
	● در اثر پیشروی آب اقیانوس هند از طریق دریای عمان و تنگه هرمز به دره‌های زاگرس ایجاد شده است.
	● دلایل اهمیت: تجارت دریایی / وجود منابع عظیم نفت و گاز / صید انواع ماهی و میگو / صید و پرورش مرماز

نکته

- تنگه هرمز، محل اتصال خلیج فارس به دریای عمان و از مهم‌ترین مکان‌های استراتژیک جهان است.
- عمان، دریای مکران هم خوانده می‌شود. تنها دریای آزاد ایران با قابلیت دسترسی به همه دریاهای جهان است. دریای عمان بخشی از آب‌های اقیانوس هند است که از طریق تنگه هرمز از خلیج فارس جدا می‌شود. این دریا باعث دسترسی به همه آب‌های آزاد جهان می‌شود و قابل حمل‌ونقل کالا و مسافر است.

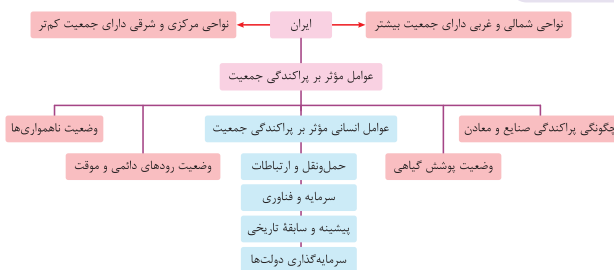


– دریاچه ارومیه –

- دومین دریاچه آب شور جهان و بزرگ‌ترین دریاچه داخلی ایران و نام‌های دیگری همچون چیچست و کیودان دارد.
- مهم‌ترین جزایرش کیودان، اشک دائمی، آرزو و اسپیر است.
- دلایل اهمیت: محل سکونت انواع پرندگان / درمان امراض پوستی / کمک به اعتدال آب‌وهوای منطقه
- دلایل کاهش آب دریاچه ارومیه: گرم‌شدن عمومی هوا / کاهش بارش / حفر بی‌رویه چاه‌ها / تغییر کشت / احداث سدهای متعدد / تغییر در چرخه آب به علت وجود منابع

♦♦ درس ۷: ویژگی‌های جمعیت ایران ♦♦

– پراکندگی جمعیت در ایران –



فرمول محاسبه رشد طبیعی جمعیت: $۱۰۰ \times \frac{\text{میزان مرگ و میر} - \text{میزان موالید}}{\text{کل جمعیت}} = \text{رشد طبیعی جمعیت}$

فرمول رشد مطلق جمعیت: $۱۰۰ \times \frac{\text{مهاجرت} \pm (\text{مرگ و میر} - \text{موالید})}{\text{کل جمعیت}} = \text{رشد مطلق جمعیت}$

دوتا فرمول مهم

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

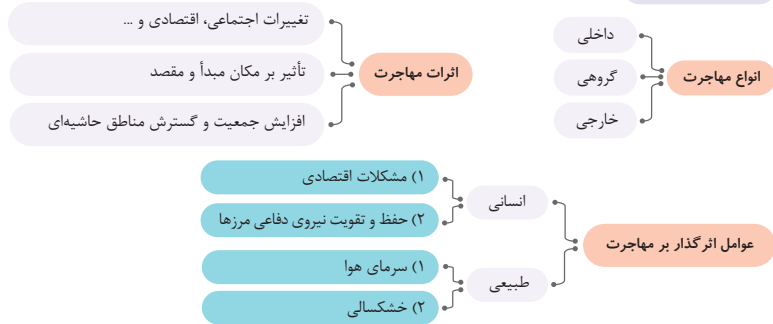


نکته

قانون ۷۰ عبارت است از نشان دادن زمان دو برابر شدن جمعیت هر کشور. فایده‌اش چیست؟ پیش‌بینی‌های لازم برای آینده از طریق نشان دادن سرعت رشد جمعیت

$$\text{مدت زمان دو برابر شدن جمعیت} = \frac{70}{\text{نرخ رشد جمعیت}} = \text{قانون ۷۰}$$

– مهاجرت –



ایازه هست؟

- من یارمه تو آزمون، از مشکلات و مسائل شهر و روستا سؤال طراحی شده بود.
- + آره.
- به توضیح کپه‌ولو می‌دیدی؟
- + بین مهم‌ترین مسائل شهرها و روستاها، افزایش شهرنشینی و کاهش تدریجی روستانشینی و مهاجرت نیروی کار کشاورزی از روستاها به شهر هست.
- فب پی‌پوری می‌شه پلوی اینو گرفت؟
- + برای مدیریت صحیح و کارآمد شهرها، ابتدا باید نیازها و مسائلی که با آن روبه‌رو هستند رو بشناسیم، روستاها هم همین‌طور!

♦♦ درس ۸: جغرافیای ایران ♦♦

♦♦ تقسیمات کشوری ایران ♦♦

یک جدول می‌تواند به شما کمک کند. چه‌طور؟ یک جدول برای تقسیمات کشوری ایران از عهد باستان تا امروز

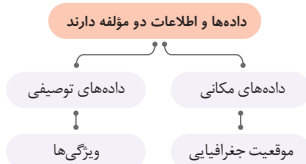
آریایی‌ها	پس از ورود آریایی‌ها به فلات ایران به آبادی‌های کوچک ویس و به آبادی‌های بزرگ گئو می‌گفتند.
هخامنشیان	داریوش کشور را به سی شهری (همان شهر) تقسیم کرده بود و برای هر یک از شهری‌ها مأموری به نام شهریان گماشت.
سلوکی - اشکانی	● اشکانیان تقسیم‌بندی هخامنشی را ادامه دادند. ● تقسیم کردن کشور به ۷۲ بخش توسط سلوکیان صورت گرفت.
ساسانیان	کشور به سرزمین (ایالت)، خوره (استان)، تسوگ یا تسوج (شهرستان) و رستاک (دهستان) تقسیم شد.
عباسیان	قلمرو جغرافیایی به واحدهایی به نام ایالت (۳۱ ایالت) تقسیم شد.
صفوی، افشار و زند	عناصر اصلی کشور عبارت بودند از ایالت، ولایت، بلوک و قصبه نکته: ترتیب این‌ها مهم است!
قاجار	● ۴ ایالت ◀ آذربایجان ◀ کرمان و بلوچستان ◀ فارس و بندر ◀ خراسان و سیستان ● ۱۲ ولایت
ایران معاصر	به ترتیب ← استان (توسط استاندارد اداره می‌شود)، شهرستان (توسط فرماندار اداره می‌شود)، بخش (توسط بخشدار اداره می‌شود)، دهستان (توسط ده‌دار اداره می‌شود).



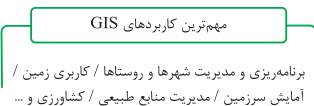
فنون و مهارت جغرافیایی

– سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS) –

بسیاری از داده‌ها و اطلاعاتی که امروزه با آن‌ها سروکار داریم، به‌نوعی با موقعیت مکانی ارتباط دارند و ویژگی‌هایی را شامل می‌شوند.



تعریف سامانه اطلاعات جغرافیایی: مجموعه‌ای از سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای که امکان جمع‌آوری و ذخیره، پردازش و تجزیه و تحلیل اطلاعات و نمایش اشکال مختلف داده‌ها و اطلاعات جغرافیایی را فراهم می‌آورند.



فلسفه و منطق

پایه دهم

درس ۴: اقسام و شرایط تعریف

اقسام تعریف (قابل ترکیب با یکدیگر)		
تعریف مفهومی	تعریف از طریق ذکر مصادیق	تعریف لغوی
- نام دیگر: تعریف تحلیلی - بیان صفات و ویژگی‌های یک مفهوم: الف) ویژگی مشترک با سایر مفاهیم مشابه (امر عام) و ویژگی خاص آن مفهوم (امر خاص). مثال، مثلث: شکل (امر عام) دارای سه ضلع (امر خاص) ب) ویژگی‌های مختلف بدون رعایت ترتیب عام و خاص. مثال، آب: مایع بی‌رنگ بی‌بو	- نام‌های دیگر: تعریف به مثال / تعریف به تشبیه / تعریف مصادیقی - بیان خود مصداق یک مفهوم یا نشان‌دادن تصویر آن یا مثال‌زدن یا تشبیه کردن و ...	- نام دیگر: لفظی - عمدتاً در فرهنگ لغت‌ها - مواردی مانند: معنای لغوی یک مفهوم (تصور) / واژه‌های مترادف / نحوه شکل‌گیری واژه / مخفف و سرواژه‌سازی - نیاز به استفاده از واژه‌های آشنا و مانوس برای مخاطب

نکته

تعریف یک تصور است (و نه تصدیق).

شرایط تعریف صحیح

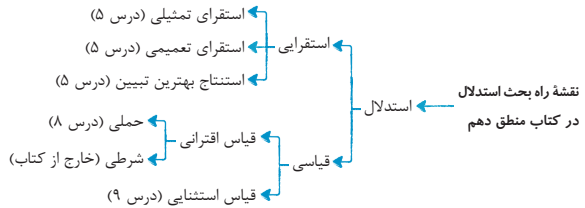
واضح بودن	استفاده از مفاهیم معلوم برای مخاطب (کلمات آشنا تر / عدم استفاده از کلمات ناآشنا، استعاره و ابهام). مثال، آتش: اسطغسی شبیه به نفس (واضح نیست به خاطر کلمه اسطغسی و این که خود نفس مفهوم ناآشناتری است تا آتش).
جامع بودن همه افراد و مصادیق	نشان‌دادن تمام مصادیق مفهوم مورد نظر (حتی یک مصداق بیرون نماند = تعریف خاص‌تر از خود مفهوم مورد نظر نباشد). مثال، شیعه: مسلمان معتقد به ۱۲ امام (جامع نیست، زیرا شامل زیدی‌ها و اسماعیلی‌ها نمی‌شود).
مانع بودن (مانع ورود تمامی اغیار و مصادیق نامرتبط)	نشان‌دادن حتی یک مصداق نامرتبط (= تعریف عام‌تر از خود مفهوم مورد نظر نباشد) مثال، مربع: شکل دارای چهار ضلع مساوی (مانع نیست، چون شامل لوزی هم می‌شود).
دوری نبودن	تعریف نکردن چیزی با خودش یا این که در تعریف، مفهومی نباید که برای فهم خود آن مفهوم، لازم باشد قبلاً مفهوم مجهول را بدانیم. مثال، زوج: عددی که فرد نیست، فرد: عددی که زوج نیست.

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



♦♦ درس ۵: استدلال استقرایی ♦♦

- انقسام استدلال
- (۱) استدلال قیاسی: مقدمات، ضرورتاً نتیجه را به دنبال خود می‌آورند (در صورت درست بودن مقدمات، نتیجه یقین آور است).
 - (۲) استدلال استقرایی: مقدمات از نتیجه، حمایت نسبی می‌کنند (نتیجه همیشه احتمالی و غیریقین آور است).
- (تقسیم براساس حمایت مطلق یا نسبی مقدمات از نتیجه استدلال)



استقرای تمثیلی	
تمثیل	تعریف لغوی، مثل آوردن و تشبیه کردن کاربرد، استفاده از مشابهت و همانندی چیزهای گوناگون برای فهمیدن و فهماندن بهتر مطلب در همه علوم
استقرای تمثیلی	استدلالی که برای دستیابی به نتیجه از تمثیل بهره برد. (حکم به یکی بودن دو امر جزئی به صرف مشابهت یا مشابهت‌هایی) (سیر از جزئی به جزئی) مثال، ظاهر فلان فرد شبیه فلان شهید است، پس آدم خوبی باید باشد. مغالطه مربوط به استدلال تمثیلی: «مغالطه تمثیل ناروا» بیشترشدن وجوه مشابهت دو پدیده → قوی‌ترشدن استقرای تمثیلی (اما در کل استدلال ضعیفی است).
برخی نکات	● تمثیل ≠ استدلال تمثیلی ● تقلید از آرم یا نام برندهای معروف: نوعی سوء استفاده از استدلال تمثیلی برای فریب مشتری (مانند SQNY به جای SONY)

- راه مقابله با استقرا تمثیل
- (۱) توجه به وجوه اختلاف: مشخص کردن نقاط اختلاف و جدایی دو پدیده شبیه (که به خاطر مشابهت باعث استدلال تمثیلی شده است). مانند، آموزش مجازی و امتحان حضوری مثل اینه که بازی کامپیوتری مثل کرده باشی و بعد بفرستت ونگ واقعی! پاسخ: این حرف درست نیست. بحث آموزش مدرسه، دانشگاه و امتحاناتش با جنگ تفاوت دارد. در مدرسه و دانشگاه اگر در امتحان رد بشوی امکان جبران داری، اما در میدان جنگ واقعی احتمال کشته شدن هست و ...
 - (۲) یافتن استدلال تمثیلی مخالف: خود استدلال تمثیلی با این که در کل، استدلال ضعیفی است، اما در مخاطب تأثیر دارد. برای مقابله با تأثیر مخرب یک تمثیل ناروا، با روش مشابه خودش با آن برخورد می‌کنیم. مانند، آموزش مجازی و امتحان حضوری مثل اینه که بازی کامپیوتری جنگی کرده باشی و بعد بفرستت جنگ واقعی! پاسخ: این حرف درست نیست، معمولاً با یک نفر! که به صورت مجازی آشنا می‌شوید قبلی تمایل دارید حضوری ببینیدش!

استقرای تعمیمی	
تعریف	«مشاهده چند مورد جزئی و نتیجه گرفتن حکمی کلی» (سیر از جزئی به کلی) مثال، بررسی وضعیت تحصیلی چند دانش آموز یک مدرسه و عمومیت دادن وضعیت تحصیلی ایشان به کل دانش آموزان مدرسه.
نکات مهم	(۱) معمولاً در کتاب‌های علمی و دانشگاهی (غیر از کتاب منطق دهم) وقتی واژه استقرا را به کار می‌برند، مراد همین استقرای تعمیمی است. (۲) در درس ریاضی و آمار ۱ با استقرای تعمیمی آشنا شده‌اید. (۳) استقرای تعمیمی براساس تخمین است و یقینی نیست. (۴) برای استقرای تعمیمی از صفات «قوی» و «ضعیف» استفاده می‌شود. (۵) دانشمندان علوم تجربی با استقرای تعمیمی قوی، مبنای حکمی برای علوم تجربی می‌سازند.
شرایط استقرای تعمیمی قوی	(۱) تصادفی بودن نمونه‌ها (۲) تفاوت و یکدست نبودن نمونه‌ها (۳) تناسب تعداد نمونه‌ها نسبت به کل جامعه آماری
عدم رعایت هر یک از این شروط ↓ مغالطه تعمیم شتاب زده	



تعریف	استنتاج بهترین تبیین
	در این نوع از استدلال با یک اتفاق یا مسئله مواجه می‌شویم و به دنبال پیدا کردن فرضیه‌ای برای چرایی این اتفاق یا مسئله هستیم. با حذف تبیین و توضیح‌های نادرست، معقول‌ترین احتمال را نتیجه‌گیری می‌کنیم.
کاربرد	مثال، خیابان، در، دیوار، درختان و ... چرا این‌طوری شده؟ مواجهه با خیس بودن زمین، ترکیدگی لوله‌ها ... و ...
	باران ← احتمال زیاد و معقول شیلنگ پرفشار آتش‌نشانی هواپیمای آب‌پاش ترکیدگی لوله‌ها ... و ...
نکته	زندگی روزمره / بررسی فرضیه‌های علمی به دلیل این که هنوز امکان سایر احتمالات وجود دارد، این استدلال هم یقینی نیست.

پایه یازدهم

درس ۴: آغاز تاریخی فلسفه

عدم امکان تعیین آغاز زمانی و مکانی فلسفه (مانند همهٔ دانش‌ها)	
شکل‌گیری تمدن در هر جا ← اندیشیدن و سخن گفتن کسانی در مورد مسائل بنیادین ← تمدن‌های قدیمی‌تر و ساده‌تر، مقدمه و پلکان شکل‌گیری تمدن‌های جدیدتر ← آثار باقی‌مانده تا امروز ← گزارش اجمالی از دورترین اندیشه‌های فلسفی	
ایران (باستان)	گزارش‌های موجود در مورد تمدن‌های غیر یونانی دارای اندیشهٔ فلسفی (پیش از یونان) آثار به‌جامانده از این تمدن‌ها (حاکمی از تفکر فلسفی)
	سرزمین فلسفه‌خیز / اعتقاد سهروردی مسلمان: حضور انسان‌های وارسته، دارای اندیشه در مورد حکمت و فلسفه و دارای سلوک معنوی در دورهٔ کیانیان / زمان: اندکی پیش از فیلسوفان یونانی و برخی هم‌زمان و برخی بعدتر گاناها: سروده‌های زرتشت
چین	لائوتسه (فیلسوف)
هند	اوپانیشادها: شامل متون متعدد هندو
بین‌النهرین	-
مصر	-

فلسفه در یونان	
دلیل معروف بودن یونان به مهد تفکر فلسفی	نخستین مجموعه‌ها یا قطعه‌ها به زبان فلسفی و یا دارای غلبهٔ جنبهٔ فلسفی
	شکل‌گیری دانش فلسفه (و نه تفکر فلسفی) در آن‌جا
زادگاه فلسفه یونانی	رواج تفسیر جهان با روش عقلانی
	بخشی از یونان به نام ایونیا در غرب آسیای صغیر (ترکیهٔ امروزی) / شش قرن پیش از میلاد
مهم‌ترین مسئلهٔ اندیشمندان در آغاز فلسفه	دگرگونی‌های پیوسته در جهان طبیعت و تحلیل عقلی درست آن
	دانشمندان آشنا با همهٔ علوم / عدم پرداختن صرف به فلسفه / عدم رواج واژهٔ فیلسوف ← نامیده‌نشدن این افراد به عنوان فیلسوف / جست‌وجو برای یافتن مبدأ دگرگونی‌ها
تالس (قرن ششم پیش از میلاد)	نخستین اندیشمند یونانی با اندیشهٔ فلسفی مشخص
	باقی‌نماندن نوشته از او / به دست آوردن افکارش از نوشته‌های فیلسوفان بعدی
آب: عنصر اولیه و پایه و اساس سایر چیزها	

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



فیثاغورس	
پایه گذار ریاضی و هندسه و فلسفه	پایه گذار ریاضی و هندسه و یکی از پایه گذاران فلسفه
درآمیختن ریاضیات با فلسفه و عرفان به گونه ای خاص	
به کار بردن واژه های فلسفه، تئوری و کیهان برای اولین بار	
نظر ارسطو پیرامون فیثاغورس و پیروانش	وقف ریاضیات و باعث پیشرفت آن / اعتقاد به صادق بودن اصول ریاضی درباره تمام موجودات / اعداد و اصول اعداد: عنصر اولیه همه موجودات

هراکلیتوس		
دو دلیل شهرت او	(۱) اندیشه وحدت اضداد	قابل جمع بودن امور با هم ضد / ساخته شدن جهان با اضداد / ناگزیری ستیز و تضاد
در تاریخ فلسفه	(۲) اندیشه تغییر و تحول دائمی جهان	همه چیز در سیلان و حرکت / نبود امر ثابت در جهان / دگرگونی؛ قانون زندگی و قانون کائنات

ملاقات سقراط جوان با او (نقل افلاطون)	پارمنیدس
عرضه فلسفه به شعر و بیان شاعرانه	
توجه به مفهوم بودن و شدن و تفاوت آن دو برای نخستین بار	
مخالفت با هراکلیتوس: نبود حرکت در جهان (هستی ثابت)	
عدم راهیابی نیستی به هستی	
وجود واقعیت جاودان و فناپذیر غیر قابل دسترسی حواس و قابل فهم با تفکر عقلی (لایه پاطنی هستی)	

سوفیست ها	
زمینه ظهور	ورود دیدگاه اندیشمندان دگرشده به آتن —————> تبدیل آتن به مرکز نظریات گوناگون تضاد آراء و نظریات اندیشمندان باستان —————> (۱) غلبه تشویش و نگرانی بر مردم آن روزگار (۲) ایجاد بی اعتمادی نسبت به دانش و اندیشه در ذهن ایشان
ظهور سوفیست ها	نامیدن خود با عنوان سوفیست (= دانشمند) منادی بی اعتباری علم و اندیشه بیهوده دانستن نظریات جهان شناسان به دلیل تضاد با هم روی آوردن به فن سخنوری به جای آموزش علوم قرار دادن پیروزی بر رقیب به جای رسیدن به حقیقت به عنوان هدف انکار اصل حقیقت و واقعیت

درس ۵: زندگی پراساس اندیشه

- سوفیست ها —————> (۱) عدم توانایی ما بر شناخت جهان
—————> (۲) عدم تطابق علم با واقعیت (صرفاً ساخته ذهن)
—————> (۳) روش: مغالطه و جدل و فن سخنوری

نتایج اندیشه های سوفسطائیان: (۱) کم رنگ شدن اخلاق و فضیلت میان مردم (۲) گرایش مردم به حق جلوه دادن باطل (۳) فاصله گرفتن جامعه آتن از حقیقت و فضیلت
(۴) کم رنگ شدن حق طلبی در سایه جدل و سخنوری ماهرانه

- سقراط —————> (۱) چهره برجسته تاریخ فلسفه
—————> (۲) استوارکننده شالوده تفکر فلسفی اصیل
—————> (۳) بدون کتاب / سراسر زندگی با فلسفه
—————> (۴) زندگی سقراط حکایت واقعی فلسفه
—————> (۵) نقل حکایت او توسط افلاطون
—————> (۶) صرف عمر در اصلاح جامعه و شناساندن افکار مغالطه آمیز سوفیست ها
—————> (۷) آموختن سؤال کردن در مورد هر چیزی
—————> (۸) به رخ کشیدن جهالت افراد قدرتمند و سفسطه گر



دلیل قیام سقراط علیه سوفسطائیان

احیای تفکر عقلانی	استواری فضیلت
-------------------	---------------

روش بحث سقراط → روش گفتگو، پرسش و پاسخ مشهور به «روش سقراطی»

هدف سقراط از گشت‌وگذار در شهر { (۱) متقاعد ساختن انسان‌ها به عدم ترجیح جسم، مال و ثروت را بر کمال نفس خود
(۲) یادآوری عدم کسب فضیلت از ثروت (کسب ثروت و ... از فضیلت)

رسالت سقراط از زبان خودش (رسالت از طرف خدا به وسیله ندهای غیبی و در رؤیاهای)

۱ بازناستاندن از بیدار ساختن، پند دادن و سرزنش کردن مردم

۲ عدم سخن گفتن و یا سکوت به خاطر پول

۳ همنشینی با تهیدستان و همچنین با توانگران به منظور پرسش از او و شنیدن سخنانش

- سقراط در برابر دادگاه -

اتهامات سقراط	(۱) فاسد کردن جوانان (۲) بی‌ایمانی به خدایان
نماینده متهم کنندگان	ملتوس
مجازات تقاضاشده	مرگ
حالت سقراط در دادگاه	چهره آرام، گام‌های استوار، لحن مطمئن
دفاعیه سقراط	بیانیه‌ای فلسفی حاوی همه اصول زندگی وی
سقراط، اتهام من (افترای دیرینه)	(۱) اتهام رفتار خلاف دین به من (۲) تلاش برای بی‌بردن به اسرار آسمان و زمین (۳) حق را باطل جلوه کردن و آموختن به دیگران
منشأ اتهام از نظر سقراط	جست‌وجوی او برای شناخت مدعیان دانش و جد کردن دانش از دانشمندان حقیقی → به غلط دانا نامیده شدن خودش / دانای حقیقی فقط خداست.
الهام سروش معبد دلفی	داناترین مردم، سقراط است.
راز سروش معبد دلفی	داناترین شما آدمیان، کسی است که چون سقراط بداند هیچ نمی‌داند. (نشان دادن اوج نادانی انسان‌ها)
دفاع سقراط در برابر اتهام انکار خدایان	عدم امکان اعتقاد به علم، قدرت و عدالت فوق بشری در عین انکار وجود خدا (اثبات خدا از طریق صفات و آثارش)

نکته

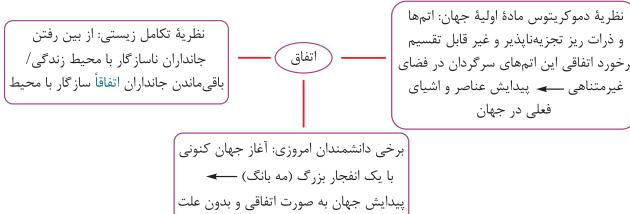
مطالب سقراط در عدم ترس از مرگ را در کتاب بخوانید. به طور کلی متن درس، بسیار پر نکته است.

نظر سیرسون (فیلسوف و خطیب رومی) پیرامون کار سقراط { (۱) آوردن فلسفه از آسمان به زمین و شهرها و خانه‌ها
(۲) واداشتن فلسفه برای پرداختن به زندگی، اخلاقیات و خیر و شر

** پایه دوازدهم **

** درس ۴: «کدام تصویر از جهان؟» **

در گفت‌وگوهای روزمره اقوام و ملل
کلمه اتفاق { نظرات برخی فیلسوفان (مانند نظریه دموکریتوس)
نظر برخی دانشمندان زیست‌شناس (نظریه تکامل)
نظر برخی از دانشمندان درباره پیدایش جهان بر اثر انفجار بزرگ



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز



– یکی از اقدامات مهم فیلسوفان –

- ☒ دقت
 - ☒ نقد و تصحیح
 - ☒ تعمیق
- ← مفاهیم عامیانه

مهم‌ترین کتاب فلسفی ابن سینا: الهیات شفا ← بحث پیرامون اتفاق، شانس و تلاش در جهت تصحیح نظر مردم

– معانی اتفاق –

معنای اول اتفاق	نفی اصل علت / نفی ضرورت علی و معلولی (معنای اول معمولاً در میان مردم شناخته شده و مورد پذیرش است.)
فیلسوفان مخالف معنای اول اتفاق	تقریباً همه فیلسوفان (البته به طور صریح در مورد هیوم او رابطه ضروری میان علت و معلول را با تجربه قابل دریافت نمی‌دانند و البته جز راه تجربی را هم قبول ندارد، پس احتمالاً می‌توان گفت به نحو غیرصریح قبول دارد.)
علت باور مردم به معنای اول اتفاق	آگاه نبودن از تمام اجزای یک علت
علت ناقصه	در مواردی که معلول، از مجموعه‌ای از عوامل پدید می‌آید، هر یک از عوامل «علت ناقصه» است.
علت تامه	در مواردی که معلول: (۱) از مجموعه‌ای از عوامل پدید می‌آید، مجموعه عوامل «علت تامه» است. (۲) از تنها یک عامل پدید می‌آید، آن یک عامل «علت تامه» است. (خارج از کتاب درسی)

معنای دوم اتفاق	نفی سنخیت علت و معلول
فیلسوفان مخالف معنای دوم اتفاق	فلاسفه‌ای مانند ابن سینا، علامه طباطبایی و برخی فلاسفه اروپایی
نتایج انکار سنخیت	انجام ندادن هیچ کاری عدم توانایی بر تبیین نظم جهان بی‌اعتباری همه علوم و بی‌اعتنایی به آن‌ها تناقض با یک هستی نظام‌مند و قانون‌مند

معنای سوم اتفاق	نبود هدف و غایت در حرکات و نظم جهان (انکار هدفمندی / غایتمندی جهان و نفی علت نخستین و آفریننده)
نتیجه پذیرفتن این معنا	نفی «علت نخستین» و «آفریننده»
معنای غایت‌مند بودن جهان	مجموعه حوادثی که در جهان رخ می‌دهد برای رسیدن به هدف و غایت معین و از پیش تعیین شده است.
نتیجه قبول غایت‌مندی جهان	قبول علت نخستین و علت‌العلل (قبول آفریننده)

دیدگاه فیلسوفان نسبت به معنای سوم اتفاق	(۱) مخالفان معنای سوم / اثبات کنندگان علت نخستین و آفریننده (قبول خدا و غایت) (۲) موافقان معنای سوم / نامعتقد به علت نخستین و آفریننده (نفی خدا و غایت) (۳) مخالفان معنای سوم / نامعتقد به علت نخستین و آفریننده (نفی خدا - قبول غایت)
نقد نظر دسته سوم	قبول غایت و هدف ← مشخص بودن غایت قبل از پیدایش اشیا + ساخته شدن اشیا متناسب با آن غایت و هدف ← قبول خدا

معنای چهارم اتفاق	رخ دادن حادثه پیش‌بینی نشده
عدم مخالفت با علت و لوازم آن / کاربرد درست / ناشی از علم ناقص و محدود ما نسبت به حوادث پیرامونی	



درس ۵: بازار چیست و چگونه عمل می‌کند؟

جریان چرخشی ساده -

- این نمودار تصویر بسیار ساده و خلاصه شده از فعالیت‌های اصلی یک اقتصاد است که فقط بخشی از واقعیت در عرصه اقتصاد را دربرمی‌گیرد. در این نمودار جایگاه دولت و نقش آن مشخص نشده است.
- این تصویر ساده از اقتصاد جامعه، شامل دو عضو است: خانوارها، نحوه مشارکت خانوارها در اقتصاد:
 - خریداری کالاها و خدمات مورد نیاز از کسب و کارها (یا همان بنگاه‌ها)
 - ارائه زمین، نیروی کار، سرمایه و کارآفرینی به بنگاه‌ها برای تولید کالاها و خدمات بنگاه‌ها.
- بنگاه‌ها همان چیزی است که مردم معمولاً آن را به عنوان کسب و کار می‌شناسند.
- مؤسسات کسب و کارها یا همان بنگاه‌ها شامل: مزارع کشاورزی، فروشگاه‌ها، کسب و کارهای خویش‌فرمایی مثل پیرایشگری، نقشه‌کشی و معماری ساختمان یا شرکت‌ها و کارگاه‌ها و کارخانه‌های تولیدی
- برای تولید کالاها و خدمات، بنگاه‌ها باید از خانوارها منابع را خریداری یا اجاره کنند.
- بنگاه‌ها، منابع را از خانوارها اجاره یا خریداری می‌کنند.



نکات مربوط به نیمه بالایی نمودار -

- نیمه بالایی نمودار، تبادل تولیدات را در بازار کالاها و خدمات نشان می‌دهد.
- در بازار کالاها و خدمات، خانوارها خریدار و بنگاه‌ها فروشنده‌اند.
- پولی که خانوارها بابت خرید کالاها و خدمات پرداخت می‌کنند، با عبور از بازار محصولات به عنوان درآمد بنگاه دریافت می‌شود.

نکات مربوط به نیمه پایینی نمودار -

- تبادل منابع تولید (زمین، نیروی کار، سرمایه و کارآفرینی) در بازار منابع تولید را نشان می‌دهد.
- در بازار منابع تولید، خانوارها فروشنده و بنگاه‌ها خریدار هستند.
- پولی که بنگاه‌ها بابت خرید منابع تولید می‌پردازند (دستمزد، اجاره و سود)، با عبور از بازار منابع تولید، به عنوان درآمد خانوارها دریافت می‌شود.
- درآمد خانوارها در بازار عوامل تولید: پرداخت‌هایی که بابت خرید منابع تولید به خانوارها (دستمزد، اجاره و سود) پرداخت می‌شود.

بررسی بازار -

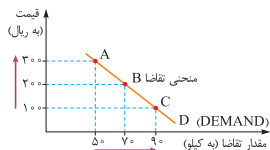
- بازار معنای خاصی در اقتصاد دارد. بازار به مجموعه خریداران و فروشندگان چیزی در هر جای ممکن اطلاق می‌شود. مبادلات در بازار ممکن است حضوری و حقیقی نباشد و به صورت مجازی در اینترنت صورت گیرد.
- به مجموعه خریداران (تقاضاکنندگان یا همان خانوارها) و فروشندگان (عرضه‌کنندگان یا همان بنگاه‌ها) هر چیزی در هر جایی «بازار» گفته می‌شود. در نتیجه بازار دو بخش دارد:

الف) تقاضاکنندگان
ب) عرضه‌کنندگان

الف) تقاضاکنندگان -

خریداران،

- خانوارهایی هستند که تقاضاکننده کالاها و خدمات‌اند.
- نسبت به مشاهده تغییر شرایط بازار، تصمیمات متفاوتی می‌گیرند.
- مقدار تقاضا از یک کالا با قیمت آن رابطه‌ای عکس دارد. یعنی با افزایش قیمت، مقدار تقاضا کاهش می‌یابد و بالعکس! به این رابطه، «قانون تقاضا» می‌گویند.





عوامل مؤثر بر تقاضا	
(۱) قیمت کالا	تغییر در قیمت یک کالا (با فرض ثابت بودن سایر عوامل)، باعث حرکت بر روی منحنی تقاضا از یک نقطه به نقطه دیگر می شود. با افزایش قیمت کالا، میزان تقاضا از آن کاهش و بالعکس با کاهش قیمت کالا، میزان تقاضا از آن افزایش می یابد.
(۲) درآمد افراد: تأثیر درآمد بر میزان مصرف یا تقاضای کالا به نوع کالا بستگی دارد.	الف) کالای معمولی: کالایی است که با کاهش درآمد، تقاضا برای آن کم می شود و با افزایش درآمد میزان مصرف آن کالا افزایش می یابد. ب) کالای پست: به کالایی گفته می شود که با افزایش درآمد، تقاضا برای آن کاهش می یابد. (علت کاهش تقاضا این است که مصرف کنندگان با افزایش درآمدشان به جای مصرف آن کالا، روی به مصرف کالاهایی می آورند که کیفیت بالاتری داشته باشند).
(۳) قیمت دیگر کالاها: ارتباط کالاها با یکدیگر و تغییر قیمت آن ها، روی مقدار خرید ما از کالای مورد نظرمان اثر می گذارد.	کالاهای مکمل: کالاهایی هستند که به صورت تکمیلی و با هم مصرف می شوند. مثل: قند و چای، انومبیل و بنزین، مسواک و خمیردندان و ... افزایش قیمت یکی از کالاهای مکمل باعث کاهش در میزان تقاضا برای کالاهای دیگر خواهد شد و برعکس. کالاهای جانشین: کالاهایی هستند که در استفاده یا مصرف جایگزین یکدیگر می شوند. هنگامی که قیمت یک کالا افزایش می یابد، تقاضا برای آن کاهش و تقاضا برای کالای جانشین افزایش می یابد. برعکس زمانی که قیمت یک کالا کاهش می یابد، تقاضا برای آن افزایش و تقاضا برای کالای جانشین کاهش می یابد. کالاهای جانشین مانند: گوشت سفید و قرمز
(۴) عوامل دیگر	سلیقه: چیزهایی که مد می شوند، حتی بدون تغییر قیمت، مقدار تقاضای آن ها زیاده تر می شود. انتظارات: اگر مطلع شوید قیمت کالایی در آینده بیشتر می شود، امروز ممکن است درباره خرید آن تصمیم دیگری بگیرید.